

A Study on the (Ahadith) Narrations of the Chronological Order of Revelation by Ibn Abbas through Abu Salih: Nature and Authenticity

Saeedeh Jannesari¹

Amir Ahmadnejad²

MohammadAli Mahdavi Rad³

1. Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Ahl-al-Bayt (AS) Studies, University of Isfahan. jannesari66@gmail.com
2. Assistant Professor of Quran and Hadith Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran. ahmadnezhad@itr.ui.ac.ir
3. Professor, Department of Science and Quran, University of Tehran, Qom Campus, Qom, Iran. mahdavi-rad@ut.ac.ir

DOI: 10.22051/tqh.2024.45212.4021

*Scientific
article*

Received:

2023/12/12

Accepted:

2024/06/01

Keyword:

chronological list of surahs of the Qur'an, Ibn Abbas, Abu Salih, Kalbi, Muqatil ibn Sulaiman

Abstract: The chronological order of the surahs of the Holy Qur'an has been transmitted in various Ahadith (narrations) from the companions and followers of the Prophet Muhammad (PBUH). The multiplicity and divergence of these Ahadith, along with the manner of their transmission across different sources, have caused confusion for Quranic scholars, particularly in studies related to chronological arrangement, Meccan and Medinan distinctions, and its interpretation. A significant number of these Ahadith have been reported by Ibn Abbas. One of the routes for transmitting Ibn Abbas's chronological order is through Abu Salih, which has garnered attention and citation due to its unique characteristics and various renditions in Quranic sources. This research seeks to explore the oldest available manuscripts, conducting a genealogical analysis and comparison of the lists of Ahadith, specifically those attributed to Ibn Abbas through Abu Salih, as well as the arrangements derived from them. The findings indicate that, in addition to Musnad Ahadith from Abu Salih, two lists of al-Kalbi attributed from Ibn Abbas and Muqatil ibn Sulaiman, which are mentioned without a chain or source of hadith in al-Shahristani's tafsir, fall under the category of Abu Salih's list based on shared textual characteristics and their Mashaayigh (respective teachers). The great similarity in the texts and the backgrounds of the narrators of this group of Ahadith suggest a common origin for these lists and its Kufic origin. Certain peculiar features in Abu Salih's list, as well as minor discrepancies within this collection, stem from errors in transmission or transcription; however, some differences, such as the omission and addition of Surah Al-Fatiha and the repositioning of Surahs Al-Hajj, Al-Sajda, and Al-Insan between the Meccan and Medinan sections, cannot be justified by mere oversight. These types of discrepancies may only arise from the ijihad (independent reasoning) of the narrators and deliberate alterations in the foundational list due to the preference for alternative opinions



پژوهشی درباره‌ی روایات ترتیب نزول ابن عباس

از طریق ابوصالح؛ ماهیت و وثاقت

سعیده جان نثاری^۱ امیر احمدنژاد^۲ محمدعلی مهدوی‌راد^۳

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. jannesari66@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. ahmadnezhad@ltr.ui.ac.ir

۳. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، تهران، ایران. mahdavidrad@ut.ac.ir

DOI: 10.22051/tqh.2024.45212.4021

صص:

۵۷-۹۸

مقاله

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۲/۱۰/۲۱

پذیرش:

۱۴۰۳/۳/۱۲

کلیدواژه‌ها:

قرآن،

فهرست ترتیب

نزول،

ابن عباس،

ابوصالح، کلبی،

مقاتل بن

سلیمان.

چکیده:

ترتیب نزول سوره‌های قرآن کریم در روایات متعددی از صحابه و تابعین نقل شده‌است. تعدد و اختلاف روایات ترتیب نزول و کیفیت نقل آن‌ها در منابع مختلف به ویژه در مطالعات ترتیب نزولی، مکی-مدنی و تفسیر تنزیلی، باعث سردرگمی قرآن‌پژوهان شده‌است. تعداد زیادی از این روایات از ابن عباس نقل شده‌است. یکی از طرق نقل ترتیب ابن عباس، طریق ابوصالح است که به دلیل ویژگی‌های خاص و تحریرهای گوناگون آن در منابع قرآنی به آن توجه و استناد شده‌است. در این تحقیق با جستجو در نسخ کهن‌ترین منابع موجود، تبارشناسی و مقایسه‌ی فهرست‌های روایی، فهرست‌های ابن عباس از طریق ابوصالح و ترتیب‌های مأخوذ از آن بازنشاسی و بررسی می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که علاوه بر روایات مسند از طریق ابوصالح، دو فهرست کلبی از ابن عباس و مقاتل بن سلیمان نیز که بدون ذکر سند و منبع در تفسیر شهرستانی آمده‌است، بنابر شاخصه‌های متنی مشترک و مشایخ آن دو، زیرمجموعه‌ی فهرست ابوصالح از ابن عباس قرار می‌گیرند. تشابه زیاد در متن و بوم راویان این دسته روایات نشان‌دهنده‌ی ریشه‌ی واحد این فهرست‌ها و خاستگاه کوفی آن است. بعضی از ویژگی‌های غریب در فهرست ابوصالح و نیز اختلافات جزئی در این مجموعه ناشی از اشتباه در نقل یا کتابت هستند؛ اما پاره‌ای اختلافات مانند حذف و اضافه‌ی سوره الحمد و جابجا شدن سوره‌های الحج، السجدة و الانسان میان بخش مکی و مدنی، با خطای سهوی قابل توجه نیست. این نوع از اختلافات تنها می‌تواند ناشی از اجتهاد راویان و تغییر عمدی در فهرست پایه به دلیل ترجیح دیگر اقوال باشد.

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر به فهم قرآن در بافت تاریخی و بستر ترتیبی نزول آن بیش از پیش توجه شده و تألیف تفسیرهای تنزیلی و تک‌نگاری‌های تحقیقی مبتنی بر روش تنزیلی فزونی یافته است. با عنایت به این مهم که پایه و مبنای تألیفات و تحقیقات تنزیلی، فهرست‌های ترتیب نزول به ویژه فهرست‌های نقلی است، انجام پژوهش بر روی این دسته از روایات ضروری می‌نماید. پژوهشگران معاصر در تلاشند به این ضرورت بپردازند و مبنایی برای تألیفات تنزیلی فراهم کنند؛ اما خروجی غالب این پژوهش‌ها ارائه‌ی گزارشی ناکامل از روایات ترتیب نزول؛ یا استخراج یک فهرست واحد از روایات متعدد؛ و یا به طور خاص پیشنهاد یک فهرست اجتهادی است که غالباً در تحقیقات و تفسیرهای تنزیلی کارآمد نبوده و مورد توجه و استفاده قرار نمی‌گیرد. مفسر و محقق بیش از آن که بخواهد متن یک فهرست را در منبعی متأخر بخواند یا پیشنهاد فهرستی جدید را از پژوهشگری معاصر بشنود، می‌خواهد کیفیت نقل روایات را در منابع کهن بداند و بفهد که نسبت فهرست‌های نقلی با یکدیگر چیست، ریشه‌های شکل‌گیری این روایات کجاست و دلیل اختلاف این فهرست‌ها چیست. به عبارت دیگر، فهرست‌های روایی که به طور تقریبی^۱ می‌توان گفت ۱۴ متن متفاوت هستند، آیا در حقیقت نقل‌هایی مستقل از یکدیگرند و یا ریشه‌ی واحدی دارند؟ منشأ اختلاف میان این فهرست‌ها چیست؟ آیا می‌توان گفت اجتهاد راویان باعث گوناگونی فهرست‌های روایی شده است؟ و به صورت موردی و دقیق، ترتیب کدام سوره‌ها اصیل و کدامیک دستخوش اعمال اجتهاد راویان شده است؟

هنگام سخن از فهرست‌های ترتیب نزول غالباً از ابن عباس یاد می‌شود. باید توجه داشت که تنها یک فهرست واحد منسوب به ابن عباس وجود ندارد، بلکه فهرست‌های متعددی از طرق مختلف به این صحابی منسوب و در منابع مختلف نقل شده‌است.

^۱ به سه دلیل نمی‌توان گفت دقیقاً چند فهرست نقلی وجود دارد: ۱. اختلاف متن یک روایت در منابع مختلف با اسناد یکسان یا متفاوت، مانند روایات ابوصالح از ابن عباس^۲. ۲. تشابه متن فهرست با اسناد متفاوت، مانند: فهرست امام صادق (ع)^۳ و ابن‌واقد^۴. ۳. روایات ناقص و چند سوره‌ای مانند: فهرست چند سوره‌ای عروه از عایشه.

طریق کرب، طریق ابوصالح و کلبی، طریق مجاهد و طریق عطاء خراسانی، چهار طریق نقل ترتیب ابن عباس است که به نام این صحابی در سند روایت تصریح کرده‌اند. برخی از نویسندگان، بدون اشاره به طریق روایت، یک فهرست را به عنوان ترتیب ابن عباس به خواننده ارائه می‌کنند. برای مثال، یک مرجع، فهرست عطاء را با عنوان فهرست ابن عباس در کتاب خود آورده‌است (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۶۷) و مرجعی دیگر روایت کلبی را ترتیب مصحف ابن عباس معرفی کرده‌است (زنجانی، ۱۴۰۴، ص ۸۳)؛ حال آنکه ترتیب سور در این روایات با یکدیگر اختلاف دارند. هر کدام از این چهار دست روایت نیز در منابع مختلف، از چند طریق متفاوت و گاه با تفاوت در محتوای فهرست نقل شده‌اند. برای مثال، فهرست ابوصالح از ابن عباس در کتاب *تاریخ یعقوبی* سوره‌ی الحمد را در جایگاه ششم ترتیب نزول ذکر کرده‌است، اما همین روایت در کتاب *المبانی لنظم المعانی* فاقد سوره‌ی الحمد است. در میان روایات منسوب به ابن عباس، دسته‌ی فهرست‌های ابوصالح با تعدد و پراکندگی بیشتر و ویژگی‌های خاص، بیش از سایر فهرست‌ها بحث‌برانگیز است و گشودن گره‌های آن می‌تواند به سامان‌دهی فهرست‌های روایی و کاهش تعداد فهرست‌هایی کمک کند که مستقل انگاشته می‌شوند. در این پژوهش، با مقایسه‌ی دقیق روایات ترتیب نزول در نسخ کهن‌ترین منابع موجود، فهرست‌هایی که از طریق ابوصالح روایت شده یا برگرفته از روایت اوست، هرچند مؤلف کتاب نامی از او نبرده‌باشد، با تبارشناسی، توجه به سند، رجال راویان و تشابه متنی فهرست‌ها گردآوری شده‌است. پس از این مرحله، تلاش شده‌است که با تحلیل منبع، سند و متن ریشه‌های اختلاف، اعم از اجتهاد یا خطای نقل کشف شده و ترتیب اصیل بازشناسی شود.

به دلیل حساسیت نقل ترتیب سور و امکان خطای استنساخ در منابع، در پژوهش حاضر علاوه بر مراجعه به تمامی منابع موجود و مقایسه‌ی نسخ چاپی مختلف، نسخ خطی این منابع شامل *المبانی لنظم المعانی*، *زین الفتی فی شرح سورة هل اتی*، *الایضاح فی القرائات العشر* و *تفسیر شهرستانی* نیز یافت شده و بررسی شد. دقت در

این مخطوطات یافته‌های جدیدی در کشف خطاهای متون چاپی از این فهرست‌ها در برداشته است.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

فهرست‌های ترتیب نزول روایی در گذشته غالباً ذیل سه موضوع: سیره، تفسیر و علوم قرآنی مطرح شده‌اند. در آثار علمای متقدم به نقل روایاتی که به مؤلف رسیده یا از نظر او صحت دارد، بسنده شده و به ندرت به تحلیل و بررسی روایات و فهرست‌ها پرداخته شده است. مؤلفان معاصر نیز یا در ضمن مباحث تاریخ قرآن؛ یا به طور مستقل با گردآوری فهرست‌های روایی؛ یا با اشاره به اختلافات موجود؛ یا با اظهار نظر کلی درباره اعتبار یا عدم اعتبار روایات به ارائه‌ی فهرست‌های ترکیبی پرداخته‌اند؛ از این میان می‌توان آثار زیر را به عنوان نمونه نام برد:

تاریخ قرآن تألیف محمود رامیار (رامیار، ۱۳۶۹)، التمهید فی علوم القرآن، تألیف محمدهادی معرفت (معرفت، ۱۳۸۸) و همگام با وحی تألیف عبدالکریم بهجت‌پور (بهجت‌پور، ۱۳۹۰). در میان تألیفات معاصر، جعفر نکونام در رساله (نکونام، ۱۳۷۳) و کتاب خود در آمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن (۱۳۸۰) و نیز عمران سمیح نزال در کتاب *الوحدة التاريخية للسور القرآنية* (نزال، ۱۴۲۷) تحقیقات جامع‌تری در مورد فهرست‌ها ارائه کرده‌اند. نکونام در مؤلفات خود ضمن گردآوری روایات، به مقایسه کلی فهرست‌ها و بررسی رجال آنها پرداخته است. او ریشه این روایات را واحد دانسته است (۱۳۸۰، ص ۱۳۵). وی اختلاف این روایات را ناشی از سهل‌انگاری راویان و الناسخان دانسته و موارد اندکی را که ممکن است ناشی از جعل باشد، با ترجیح دو طریق عطاء و ابوکریم از ابن عباس قابل رفع می‌داند (همان، ص ۱۴۲). نزال، ضمن گردآوری فهرست‌های نقلی اذعان می‌کند که این روایات تماماً اجتهاد صحابه و تابعین است و اختلاف میان آنها مؤید این اجتهاد است. او معتقد است باب اجتهاد در ترتیب نزول همچنان باز و راه آن مطالعه و تدبیر است؛ برخلاف ترتیب مصحف که خداوند جمع و حفظ آن را تکفل کرده و تغییر در آن جایز نیست (نزال، ۱۴۲۷، ص ۶۴). علاوه بر این آثار، مقالاتی نیز در ارتباط با فهرست‌های روایی

نگاشته شده است که از جمله می‌توان به مقاله «اعتبارسنجی دلایل و معیارهای تعیین ترتیب نزول قرآن» (اکرمی، ۱۳۹۸) و «روش کشف ترتیب نزول با تمرکز بر اخبار ترتیب نزول» (سلمانزاده، ۱۳۹۹) اشاره کرد. در این مقالات ضمن گزارشی از روایات ترتیب نزول، حد نصاب فهرست‌های روایی یا اشتراکات آنها به عنوان معیار اولیه‌ای برای ترتیب نزول در نظر گرفته شده است. همچنین در برخی از مقالاتی که سوره‌ها به صورت موردی تاریخگذاری می‌شوند نیز در جهت استناد به فهرست‌ها یا نقد آنها در کنار سایر معیارهای تعیین زمان نزول، گزارشی اجمالی از فهرست‌های روایی ارائه شده است؛ از جمله این مقالات می‌توان به «تاریخ‌گذاری سوره‌ی الحج» (اقبال، ۱۳۹۴) و «بازخوانی انتقادی روایات ترتیب نزول؛ مطالعه موردی سه سوره منافقون، نور و احزاب» (کلباسی؛ احمدنژاد، ۱۳۹۸) اشاره کرد.

محقق قبل از هر تحلیل و مقایسه‌ای میان فهرست‌ها لازم است از جامع بودن اطلاعات و صحت متن روایت در مرجع خود اطمینان حاصل کند. از کاستی‌های پیشینه در مرحله‌ی گردآوری منابع و گزارش روایات می‌توان موارد زیر را برشمرد:

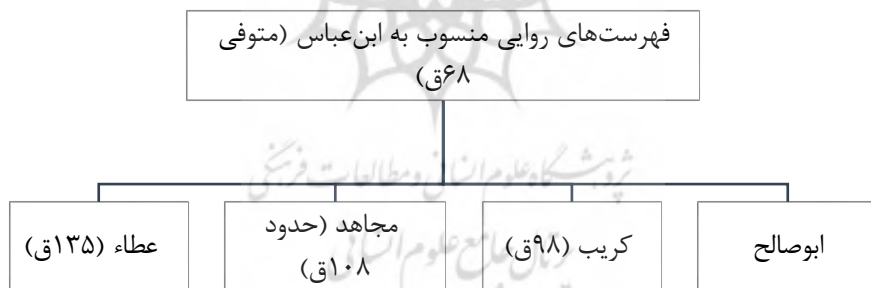
- ۱- عدم اطلاع از فهرست‌های نقل شده در برخی منابع؛
- ۲- عدم دستیابی به برخی منابع کهن؛
- ۳- اعتماد به متن یک کتاب مطبوع و نقل روایت از آن بدون توجه به امکان خطای چاپ یا تعدد نسخه‌ها و اشتباهات عمدی یا سهوی در نسخه‌های اصلی کتاب؛
- ۴- اکتفا به نسخه مطبوع به جای دستیابی به نسخه‌ی خطی و انعکاس اشکالات آن در اثر خود.

در مرحله‌ی بعد نیز برای دستیابی به ریشه‌ی فهرست‌ها و منشأ اختلاف آنها، روشمندی در تبارشناسی و مقایسه‌ی دقیق و جزئی روایات برای اقناع مخاطب امری ضروری است. کاستی پیشینه در این مرحله عبارتست از کلی‌گویی و تکرار پیش‌فرض‌های خود به عنوان نتیجه‌ی بررسی و مقایسه‌ی روایات، که در نهایت نتوانسته است ماهیت حقیقی این فهرست‌ها را آشکار کند.

کامل و جامع نبودن گزارشات، کم‌توجهی به اشکالات و اختلافات نُسخ، عدم دقت در مقایسه روایات و کشف روابط میان آنها و ارائه‌ی نتایج خود با شواهد ناکافی موجب شده‌است علیرغم وجود تألیفات و پژوهش‌های متعدد، همچنان ابهام و سردرگمی در مواجهه با فهرست‌ها وجود داشته باشد و جای بررسی روشمند پیرامون ماهیت و وثاقت این روایات خالی باشد.

۳. دسته‌بندی فهرست‌های منسوب به ابن عباس

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب متوفی ۶۸ هجری، صحابی مشهور و پسر عموی پیامبر (ص) است. به نقل از خود ابن عباس، وی هنگام رحلت پیامبر (ص) پانزده یا ده ساله بوده‌است (بخاری، بی‌تا، ج ۴، ص ۲). روایات فراوانی در تفسیر و علوم قرآن از ابن عباس نقل شده و تألیفاتی نیز به او منسوب شده‌است. درباره‌ی ترتیب نزول در منابع روایی و تفسیری اقوال گوناگونی از او نقل شده‌است. نمودار زیر طرق مختلف نقل ترتیب نزول از ابن عباس را نشان می‌دهد:



نمودار ۱-راویان فهرست‌های ترتیب نزول منسوب به ابن عباس (به ترتیب سال وفات) هر کدام از این فهرست‌های روایی در چند منبع و گاه با اسناد و محتوای متفاوت گزارش شده‌است. اختلاف میان روایات و گزارش‌های ثبت شده در منابع، بررسی دقیق تبار و وثاقت فهرست‌های این مجموعه را ضروری می‌نماید. روایت ابوصالح باذام به عنوان یکی از نزدیک‌ترین افراد به زمان حیات ابن عباس در منابع مهمی از

میراث اسلامی نقل شده و مورد استناد بسیاری از دانشمندان و پژوهشگران قرار گرفته است.

۴. روایت ابوصالح از ابن عباس

ابوصالح باذام یا باذان، مولی ام‌هانی بنت ابی طالب، خواهر حضرت علی^(ع) بوده است. او هاشمی و کوفی است. تاریخ دقیقی برای حیات و وفات او در منابع متقدم گزارش نشده است. ذهبی وفات او را حدود ۱۱۱ تا ۱۲۰ اعلام کرده (ذهبی، ۲۰۰۳م، ج ۳، ص ۲۱۱) و دولابی^۱ وفات او را در زمان خلافت ولیدبن عبدالملک یعنی بین ۸۶ تا ۹۶ ق. دانسته است (العونی، بی تا، ص ۲). گفته شده است که ابوصالح صاحب تفسیری است که در آن از ابن عباس روایت کرده و محمدبن سائب کلبی نیز آن را از او روایت کرده است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۲۹۹). ابوصالح در برخی منابع رجالی همچون *الثقات عجلی*، ثقه دانسته شده (العجلی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۷۷) اما در غالب کتب تراجم و جرح و تعدیل، متهم به کذب شده و ضعیف شمرده شده است. نقل کرده اند که او را «دروغزن» می نامیدیم (کُنَّا نُسَمِّي ابِصَالِحَ بَاذَامَ «دروغزن»). همچنین گفته اند که مجاهد از تفسیر ابوصالح نهی می کرده است (بخاری، بی تا، ج ۱، بخش ۲، ص ۱۴۴). فهرست ابوصالح از ابن عباس از طریق «کلبی» روایت شده است. درباره ی ابونضر محمدبن سائب کلبی کوفی متوفی ۱۴۶ ق. نیز نقل است که دانا به تفسیر، انساب عرب و احادیث و اخبار آنها بوده، اما برخی گفته اند که چنین نیست (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۳۴۲). کلبی صاحب تفسیری است که ابن عدی در وصف آن می گوید تفسیری طولانی تر و کامل تر از آن وجود ندارد (جرجانی، ۱۴۱۸، ج ۷، ص ۲۸۴). گفته می شود این تفسیر را محمدبن مروان سدی صغیر از کلبی روایت کرده است (همان، ص ۳۰۴). غالب رجالیون اهل سنت او را کذاب و روایتش را ضعیف خوانده اند. نقل کرده اند که خود او گفته است ابوصالح به من گفت هر چه برایت روایت کردم همه دروغ بوده است (بخاری، بی تا، ج ۱، بخش ۱، ص ۱۰۱). همچنین برای اثبات کذاب بودن او، روایاتی مبنی بر اعتقادات شیعی از او نقل کرده و به وی

۱. ابو بشر محمدبن احمد دولابی صاحب کتاب *الذرية الطاهرة*.

تهمت غلو در تشیع زده‌اند. سیوطی طریق کلبی از ابوصالح را ضعیف‌ترین طریق نقل از ابن عباس دانسته، به‌ویژه اگر به این طریق، روایت محمدبن مروان سدی صغیر پیوست شود. وی این طریق را سلسلة‌الکذب می‌نامد (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۳۹). کَشّی درباره او نوشته‌است که کلبی عامی بوده اما میل و محبت شدیدی [به اهل بیت علیهم‌السلام] داشته که پنهان می‌کرده‌است (کشی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۹۰). کلینی در کتاب کافی ماجرای ملاقات وی با جعفر بن محمد^(ع) را روایت کرده و درباره‌ی او می‌گوید که تا پایان عمر بر محبت اهل بیت دینداری می‌کرد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۵۱). برخی دلیل اتهام به کذب و تضعیف این راویان و طریق مذکور را ارتباط و قرابت این راویان با خاندان علی^(ع) و اهل بیت علیهم‌السلام و نقل برخی اعتقادات فرقه‌ای تشیع از این طریق دانسته‌اند (رک. معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۷۶).

فهرست ترتیب نزولی که از این طریق به ما رسیده‌است، در منابع زیر مربوط به ده قرن نخست یافت شد:

منابع فهرست‌های روایی منسوب به ابن عباس از طریق ابوصالح

و کلبی

تفسیر شهرستانی، متوفی ۵۴۸	شواهد التنزیل حسکانی، متوفی ۴۹۰	الایضاح اندرابی، متوفی ۴۷۰	المبانی لنظم المعانی و زین الفتی، نیمه اول قرن ۵	تاریخ یعقوبی، متوفی ۲۸۴
---------------------------------	------------------------------------	----------------------------------	---	----------------------------

نمودار ۲- منابع فهرست‌های ترتیب نزول ابوصالح به نقل از کلبی از ابن عباس (به ترتیب سال وفات صاحب کتاب)

روایتی که تاریخ یعقوبی آورده هم از لحاظ سند -از کلبی به بعد- و هم متن روایت با چهار منبع بعدی متفاوت است. در تفسیر شهرستانی دو فهرست با عنوان

«کلبی از ابن عباس» و «مقاتل بن سلیمان از رجالش» بدون ذکر سند آمده است که برگرفته از فهرست ابوصالح هستند.

۴-۱. فهرست ابوصالح در تاریخ یعقوبی

تاریخ یعقوبی، اثر ابن واضح احمد بن ابی یعقوب، متوفی ۲۸۴ هجری یا به قولی متوفی بعد از ۲۹۲، مورخ و کاتب دربار عباسی است. یعقوبی در بغداد به دنیا آمده و در همانجا زیسته است (یعقوبی، ۱۳۸۴، ج ۱، مقدمه‌ی مصحح، ص ب). مؤلف در این کتاب ذیل فصل سیره‌ی پیامبر (ص) بابی با عنوان «ما نزل من القرآن بمكة» گشوده و روایتی از ابن عباس از طریق ابوصالح به نقل از دو راوی او محمد بن کثیر و محمد بن سائب کلبی آورده است:

«و نزل من القرآن بمكة اثنتان و؛ ثمانون سورة، علی ما رواه محمد بن حفص ابان ناسد الكوفي عن محمد بن کثیر و محمد بن السائب الكلبي عن أبي صالح عن ابن عباس:

و كان أول ما نزل علی رسول الله: "اقرأ باسم ربك الذي خلق"؛ ثم "نون والقلم و ما یسطرون"؛ ثم "والضحی"؛ ثم "یا أيها المزمّل"؛ ثم "یا أيها المدثر"؛ ثم "فاتحة الكتاب"؛ ثم "تبت"؛ ثم "إذا الشمس كورت"؛ ثم "سبح اسم ربك الأعلى"؛ ثم "واللیل إذا یغشی"؛ ثم "والفجر"؛ ثم "ألم نشرح لك صدرك"؛ ثم "الرحمن"؛ ثم "والعصر"؛ ثم "إنا أعطیناك الكوثر"؛ ثم "ألهیكم التكاثر"؛ ثم "أرأیت الذي یكذب بالدين"؛ ثم "ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفیل"؛ ثم "والنجم إذا هوی"؛ ثم "عبس و تولى"؛ ثم "إنا أنزلناه فی لیلة القدر"؛ ثم "والشمس و ضحاها"؛ ثم "والسماء ذات البروج"؛ ثم "والتین و الزیتون"؛ ثم "إیللاف قریش"؛ ثم "القارعة"؛ ثم "لا أقسم بیوم القيامة"؛ ثم "ویل لكل همزة"؛ ثم "والمرسلات عرفا"؛ ثم "ق و القرآن المجید"؛ ثم "لا أقسم بهذا البلد"؛ ثم "والسماء و الطارق"؛ ثم "أقربت الساعة"؛ ثم "ص و القرآن ذي الذكر"؛ ثم "الأعراف"؛ ثم

سورة "الجن"؛ ثم سورة "يس"؛ ثم "تبارك الذي نزل الفرقان"؛ ثم "الحمد الملائكة"؛ ثم سورة "مريم"؛ ثم سورة "طه"؛ ثم "طسم الشعراء"؛ ثم "طس النمل"؛ ثم "طسم القصص"؛ ثم سورة "بني إسرائيل"؛ ثم سورة "يونس"؛ ثم سورة "هود"؛ ثم سورة "يوسف"؛ ثم "الحجر"؛ ثم "الأنعام"؛ ثم "الصفات"؛ ثم "لقمان"؛ ثم "حم المؤمن"؛ ثم "حم السجدة"؛ ثم "حم عسق"؛ ثم "الزخرف"؛ ثم "الحمد سبأ"؛ ثم "تنزيل الزمر"؛ ثم "حم الدخان"؛ ثم "حم الشريعة"؛ ثم "الأحقاف"؛ ثم "والذاريات"؛ ثم "هل أتاك حديث الغاشية"؛ ثم سورة "الكهف"؛ ثم سورة "النحل"؛ ثم "إنا أرسلنا نوحا"؛ ثم سورة "إبراهيم"؛ ثم "اقترب للناس حسابهم"؛ ثم "قد أفلح المؤمنون"؛ ثم "الرعد"؛ ثم "والطور"؛ ثم "تبارك الذي بيده الملك"؛ ثم "الحاقة"؛ ثم "سأل سائل"؛ ثم "عم يتساءلون"؛ ثم "والنازعات غرقا"؛ ثم "إذا السماء انفطرت"؛ ثم سورة "الروم"؛ ثم "العنكبوت" (يعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۳۳).

يعقوبی پس از ذکر بخش مکی فهرست می گوید: «در غیر روایت ابن عباس، مردم در این ترتیب اختلاف دارند که البته اختلاف اندکی است». در ادامه روایتی با همین سند نقل می کند:

«و روی محمدبن کثیر و محمدبن السائب عن ابي صالح عن ابن عباس أنه قال: كان القرآن ينزل مفزقا، لا ينزل سورة سورة، فما نزل أولها بمكة أثبتناها بمكة و أن كان تمامها بالمدينة، و كذلك ما نزل بالمدينة و إنه كان يعرف فصل ما بين السورة و السورة إذا نزل بسم الله الرحمن الرحيم، فيعلمون أن الأولى قد انقضت وابتدئ بسورة أخرى (يعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۳۴).

در این بخش از روایت مبنای پیوستگی یا گسستگی و نیز مکی و مدنی دانستن سوره‌ها چنین شرح داده شده است: «قرآن جدا جدا نازل می شد نه آنکه سوره سوره نازل شود، پس هر چه آغازش در مکه نازل شده بود، آن را مکی می گفتیم اگر چه

بقیه‌اش در مدینه نازل شود، و همچنین آنچه در مدینه نازل شد. و فاصله میان دو سوره به نزول بسم الله الرحمن الرحیم شناخته می‌شد و می‌دانستند سوره نخستین به پایان رسیده و سوره دیگری آغاز شده است» (یعقوبی، ترجمه آیتی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۹۱). بنابراین با پیش فرض عدم پیوستگی زمانی سوره‌ها، مبنای قرار دادن یک سوره در فهرست ترتیب نزول این است که ابتدای آن در چه مکانی - مکه یا مدینه - نازل شده است، هرچند بقیه سوره در مکان دیگر نازل شده باشد. عبارت دوم این روایت، یعنی شناخت فصل بین دو سوره با نزول بسمله سوره جدید، با مبنای پیوستگی سازگار است و با عبارت صریحی که در ابتدا گفته شد، یعنی قائل بودن به گسستگی نزول آیات یک سوره متعارض به نظر می‌رسد. تصریح بر واژه‌ی «اثبتناها» که ثبت سوره‌های مکی و مدنی را با ضمیر متکلم از سوی خود اعلام می‌کند قابل تأمل است.

در این فهرست، **الضحی** سومین سوره‌ی نازل در مکه به شمار آمده و سوره‌ی **الحمد** نیز در ردیف ششم فهرست قرار داده شده است. سوره‌های **الرعد**^۱ و **الرحمان**^۲ نیز در فهرست سور مکی قرار دارند. در این باب تنها بخش مکی روایت آمده است و بخش مدنی آن پس از چند باب پیرامون حوادث تاریخی مربوط به اواخر دوران مکه و ورود به مدینه، ذیل عنوان «ما نزل من القرآن بالمدينة» چنین آمده است:

« و نزل علیه بالمدينة من القرآن اثنتان وثلاثون سورة. أول ما نزل: ویل للمطففین؛ ثم سورة البقرة؛ ثم سورة الأنفال؛ ثم سورة آل عمران؛ ثم الحشر؛ ثم سورة الأحزاب؛ ثم سورة النور؛ ثم الممتحنة؛ ثم إنا الفتحنا لك؛ ثم سورة النساء؛ ثم سورة الحج؛ ثم سورة الحديد؛ ثم سورة محمد؛ ثم هل أتى علی الانسان؛ ثم سورة

^۱ سوره‌ی **الرعد** تنها در فهرست‌های مجموعه‌ی ابوصالح در بخش مکی فهرست جایگذاری شده است.

^۲ سوره‌ی **الرحمان** در فهرست مجاهد نیز در بخش مکی قرار دارد اما جایگاه آن در فهرست‌های ابوصالح به اوائل نزول نزدیک‌تر است. در سایر فهرست‌های روایی رحمان جزو سور مدنی است.

الطلاق؛ ثم سورة لم يكن؛ ثم سورة الجمعة؛ ثم تنزيل السجدة؛ ثم المؤمن؛ ثم إذا جاءك المنافقون؛ ثم المجادلة؛ ثم الحجرات؛ ثم التحريم؛ ثم التغابن؛ ثم الصف؛ ثم المائدة؛ ثم براءة؛ ثم إذا جاء النصرالله والفتح؛ ثم إذا وقعت الواقعة؛ ثم والعاديات؛ ثم المعوذتين جميعا وكان آخر ما نزل لقد جاءكم رسول من أنفسكم عزيز عليه ما عنتم إلى آخر السورة.» (يعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۴۳).

مؤلف سند بخش مدنی فهرست را تکرار نکرده است، اما مقایسه‌ی این فهرست با سایر فهرست‌های نقل شده از ابوصالح تأیید می‌کند که این بخش ادامه‌ی همان فهرست ابوصالح از ابن عباس است. در این فهرست، اولین سوره‌ی مدنی **المطففين** است و در انتهای فهرست، بعد از المائدة و التوبة، پنج سوره‌ی **النصر، الالواقعة، العادياتو المعوذتين** واقع شده است. ثبت این سوره‌ها در انتهای فهرست را می‌توان ویژگی خاص فهرست ابوصالح از ابن عباس به حساب آورد. در پایان این روایت گفته شده است که آخرین آیات نازل شده بر پیامبر دو آیه‌ی آخر سوره‌ی **التوبة** (۱۲۸ و ۱۲۹) هستند. یعقوبی پس از نقل این روایت، اقوال دیگر را درباره‌ی آخرین آیه‌ی نازله بیان می‌کند؛ او روایت دیگری که آیه‌ی اکمال (المائدة: ۳) را آخرین آیه معرفی کرده، ترجیح داده و آن را صحیح، ثابت و روشن دانسته و اشاره می‌کند که این آیه در روز نصب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب در غدیر خم نازل شده است (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۴۳).

یعقوبی ابتدای روایت تصریح کرده که ۸۲ سوره در مکه و ۳۲ سوره در مدینه نازل شده است. عدد مذکور در ابتدای فهرست مدنی با تعداد سوره‌های نام برده شده مطابق است، اما سوره‌ی **المؤمن** (الغافر) هم در بخش مکی و هم مدنی آمده است. چهار سوره‌ی **الكافرون، التوحيد، الانشقاق و الزلزال** در این فهرست جا افتاده که با توجه به شمار سور، سه سوره مربوط به بخش مکی و یک سوره مربوط به بخش مدنی است.

۴-۲. فهرست ابوصالح در المبانی لنظم المعانی و زین الفتی

تفسیر المبانی لنظم المعانی اثری شناخته شده اما مجهول المؤلف است که اول بار مقدمه‌ی ارزشمند آن توسط آرتور جفری در کتاب *مقدمتان فی علوم القرآن* به چاپ رسید.^۱ امروزه تصویر تنها نسخه‌ی خطی موجود از این کتاب که در موزه‌ی برلین آلمان نگهداری می‌شود، از طریق برخی کتابخانه‌های ایران نیز قابل دستیابی است.^۲



شکل ۱- تصویر روایت ابوصالح از ابن عباس در نسخه خطی المبانی

از ابتدای چاپ و نشر این کتاب، گمانه‌زنی‌هایی درباره‌ی هویت مؤلف آن بر اساس شواهد و قرائن شده‌است. برخی آن را اثر ابومحمد احمد بن محمد العاصمی (اواخر قرن ۴ و اوایل قرن ۵ هجری) از علمای فرقه‌ی کرامیه، اهل خراسان و مؤلف کتاب *زین الفتی* دانسته‌اند (اعرابی، ۱۳۸۱). برخی نیز ابومحمد حامد بن احمد طحیری را

^۱ پیش از انتشار این مقدمه توسط آرتور جفری در سال ۱۹۵۴ میلادی، تئودور نولدکه در کتاب *تاریخ قرآن خود* (سال ۱۸۶۰ میلادی) از نسخه‌ی خطی *المبانی* استفاده کرده و فهرست‌های روایی ترتیب نزول قرآن را بر اساس آن آورده‌است (Noldeke, 2013, 47).

^۲ بنیاد محقق طباطبائی قم تصویر نسخه‌ی برلین را در اختیار نویسندگان قرار داده‌است.

که وی نیز از علمای کرامیه‌ی قرن پنجم در نیشابور است، مؤلف این تفسیر دانسته‌اند (رحمتی، ۱۳۸۱). فصل اول این کتاب به ذکر ترتیب نزول قرآن اختصاص یافته و چند روایت^۱ از جمله روایت ابوصالح از ابن عباس در آن به شرح زیر آمده‌است:

«أخبرنا الامام ابو عبدالله محمد بن علی رضی الله عنه و أرضاه؛ و جعل الجنة متقلبة و مأواه قال: أخبرنا ابوالنضر محمد بن علی الطالقانی قال حدثنا الشيخ ابوسهل محمد بن محمد بن علی الطالقانی الأنماری رحمه الله و ذكره فی كتاب فيه ما فيه، و أخبرنی الشيخ ابوالقاسم عبدالله بن محمشاذ رضی الله عنه بهراة قال: أجاز لی الشيخ ابوسهل محمد بن محمد بن علی الأنماری بكتاب فيه ما فيه قال: حدثنا عبدالله بن محمد بن سلیم، قال: حدثنا صالح بن محمد الترمذی قال: حدثنا محمد بن مروان عن الكلبي، عن أبي صالح؛ عن ابن عباس قال: إن أول شيء نزل بمكة اقرأ باسم ربك؛ ثم ن والقلم؛ ثم والضحى؛ ثم يا أيها المزمّل؛ ثم يا أيها المدثر؛ ثم تبت يدا أبي لهب؛ ثم إذا الشمس كورت؛ ثم سبح اسم ربك؛ ثم والليل إذا يغشى؛ ثم والفجر؛ ثم ألم نشرح؛ ثم الرحمن؛ ثم والعصر؛ ثم إنا أعطيناك؛ ثم ألهاك؛ ثم رأيت الذی؛ ثم ألم تر كيف فعل؛ ثم قل يا أيها الكافرون؛ ثم قل هو الله أحد؛ ثم والنجم؛ ثم عبس و تولى؛ ثم إنا أنزلناه؛ ثم الحج؛ ثم والشمس وضحاها؛ ثم والسماء ذات البروج؛ ثم والتين والزيتون؛ ثم لإيلاف؛ ثم القارعة؛ ثم لا أقسم بيوم القيامة؛ ثم ويل لكل همزة؛ ثم والمرسلات عرفا؛ ثم ق والقرآن؛ ثم لا أقسم بهذا البلد؛ ثم والسماء والطارق؛ ثم اقتربت الساعة؛ ثم ص والقرآن؛ ثم الأعراف؛ ثم قل أوحى؛ ثم يس والقرآن؛ ثم الفرقان؛ ثم الملائكة؛ ثم سورة مريم؛ ثم سورة موسى؛ ثم الشعراء؛ ثم النمل؛ ثم القصص؛ ثم

^۱ علاوه بر فهرست ابوصالح، فهرست عطاء خراسانی از ابن عباس و فهرست سعید بن مسیب از امام

علی^(ع) نیز در این مقدمه این تفسیر آمده‌است.

سورة بنی اسرائیل؛ ثم سورة یونس؛ ثم سورة هود؛ ثم سورة یوسف؛
 ثم الحجر؛ ثم الأنعام؛ ثم الصافات؛ ثم لقمان؛ ثم سورة سبأ؛ ثم
 الغرف، یعنی: تنزیل الزمر؛ ثم حم المؤمن؛ ثم حم السجدة؛ ثم
 [حم] عسق؛ ثم الزخرف؛ ثم الدخان؛ ثم الجاثية؛ ثم الأحقاف؛ ثم
 الذاریات؛ ثم هل أتاك؛ ثم الکهف؛ ثم النحل؛ ثم سورة نوح؛ ثم
 إبراهیم؛ ثم اقترب؛ ثم الأنبياء؛ ثم المؤمنون؛ ثم الم سجدة؛ ثم
 الرعد؛ ثم الطور؛ ثم تبارک الملک؛ ثم الحاقة؛ ثم سأل سائل؛ ثم عم
 يتساءلون؛ ثم سورة النازعات؛ ثم إذا السماء انفطرت؛ ثم إذا السماء
 انشقت؛ ثم سورة الروم؛ ثم العنكبوت و هن ثلاث و؛ ثمانون سورة
 مما نزلت بمكة على النبی صلی الله علیه وسلم».

و در ادامه بلافاصله بخش مدنی فهرست را روایت می کند:

«قال: وأول شيء نزل بالمدينة: ويل للمطففين؛ ثم البقرة؛ ثم
 الأنفال؛ ثم آل عمران؛ ثم الأحزاب؛ ثم الممتحنة؛ ثم النساء؛ ثم إذا
 زلزلت؛ ثم الحديد؛ ثم سورة محمد صلی الله علیه وسلم؛ ثم هل أتى
 على الانسان؛ ثم سورة الطلاق؛ ثم سورة لم یکن؛ ثم سورة الحشر؛
 ثم سورة [إذا جاء] النصر لله؛ ثم إذا جاءك المنافقون؛ ثم سورة
 النور؛ ثم سورة المجادلة؛ ثم الحجرات؛ ثم سورة [يا أيها النبی] لم
 تحرم؛ ثم سورہ الجمعة؛ ثم سورة التغابن؛ ثم سورة الصف؛ ثم سورة
 الفتح؛ ثم سورة المائدة؛ ثم سورة التوبة، وهی آخر القرآن وسورة
 المائدة و إذا كانت فاتحة سورة نزلت بمكة كتبت بمكة؛ ثم یزید
 الله فیها ما یشاء بالمدينة، ونزلت بمكة «لقد جاءكم رسولٌ مِنْ
 أَنْفُسِكُمْ» إلى آخر السورة؛ ثم سورة إذا وقعت؛ ثم والعاديات ضبحا؛
 ثم سورة الفلق؛ ثم قل أعوذ برب الناس، وذلك ثلاثون سورة نزلت
 بالمدينة. فجميع ما نزل بمكة والمدينة مائة وثلاث عشرة سورة.
 منها ثلاث و؛ ثمانون بمكة وثلاثون بالمدينة (المبانی، نسخهی
 خطی، تصویر ٣؛ المبانی، جفری، ١٣٩٢، ص ٨-١٠)

در نسخه‌ی خطی *المبانی*، روی نام سوره‌ی **الرحمان** جوهر ریخته و با وجود اینکه واژه‌ی؛ ثم و نیز حرف نون الرحمن تاحدودی مشخص است، جفری آن را ادامه‌ی سوره قبل تصور کرده و چنین نوشته است: «الم نشرح لك صدرک؛ ثم و العصر» (جفری، ۱۳۹۲، ص ۸). در انتهای بخش مکی، در نسخه‌ی خطی این کتاب، پس از عبارت «وهی آخر القرآن»، نام سوره‌ی المائدة تکرار شده است. جفری در نسخه‌ی محقق این عبارت را حذف کرده است (جفری، ۱۳۹۲، ص ۱۰). مصحح *مقدمتان* در انتهای کتاب در لیست خطاها به این جاافتادگی اشاره کرده است (جفری، ۱۳۹۲، ص ۳۲۳). در *زین الفتی و الايضاح* این تکرار وجود دارد.

سند این روایت با روایتی که یعقوبی در کتابش آورده است تفاوت دارد. متن روایت نیز با روایت یعقوبی انطباق کامل ندارد. *المبانی* تصریح کرده که ۸۳ سوره در مکه و ۸۰ سوره در مدینه نازل شده است که مجموعاً ۱۱۳ سوره می‌شود. تصریح به تعداد ۱۱۳ به عنوان شمار کل سوره‌های قرآن، به دلیل کنار گذاشتن سوره‌ی الحمد از فهرست سور است که در بسیاری از فهرست‌های روایی نیز چنین است. در نسخه‌ی خطی این فهرست به جز سوره‌ی الحمد جاافتادگی دیگری وجود ندارد.

از شاخصه‌های مشترک این دو روایت می‌توان به جایگذاری سوره‌ی **الضحی** در ردیف سومین سوره‌ی نازله، **الرحمان** در شمار اولین سور نازله در مکه، **المطففین** به عنوان اولین سوره‌ی مدنی، قرار داشتن سوره‌ی **الرعد** در فهرست سور مکی، تصریح روایت به مبنای عدم پیوستگی سور و نحوه‌ی جایگذاری آنها در فهرست مکی یا مدنی و نیز عنوان کردن نام چهار سوره در انتهای فهرست (بدون در نظر گرفتن توضیح پیش از آن در روایت *المبانی*) اشاره کرد. شاخصه‌های مشترک و خاص این فهرست‌ها، نشان دهنده‌ی یکسان بودن اصل این دو روایت است.

از تفاوت‌های مهم فهرست این دو فهرست، می‌توان وجود سوره‌ی **الحمد** در تحریر یعقوبی، قرار داشتن سوره‌ی **الحج** در بخش مکی در فهرست *المبانی* و قرار داشتن سوره‌ی **السجدة** در بخش مدنی در فهرست یعقوبی، اختلاف جایگاه برخی سور مدنی مانند قرار داشتن **حشر**، **نور** و **الفتح** در ترتیب‌های متقدم‌تر در تحریر

یعقوبی نسبت به المبانی، جابجایی و تفاوت در توضیحات روایت و نیز اختلاف در شمار سور مکی و مدنی را عنوان کرد.

تفاوت قابل توجه دیگر این است که در تاریخ یعقوبی، مبنای مکی و مدنی بودن سوره‌ها پس از روایت بخش مکی فهرست آمده‌است؛ آنگاه در انتهای بخش مدنی، سوره‌ی **النصر** بلافاصله با واژه‌ی «؛ ثم» بعد از التوبة جایگذاری شده و بعد از آن نیز چهار سوره‌ی **الواقعة، العاديات و المعوذتين** با همین واژه‌ی عطف پشت سر هم آمده‌است و سپس آخرین وحی نازل را آیات آخر سوره‌ی التوبة برشمرده‌است؛ اما در روایت *المبانی*، تصریح شده که التوبة آخرین سوره‌ی قرآن است، سپس بخش توضیح مبنایی روایت را آورده و گفته شده‌است که دو آیه‌ی آخر سوره‌ی التوبة در مکه نازل شده و بعد از آن نام چهار سوره‌ی **الواقعة، العاديات، الفلق و الناس** را ذکر کرده‌است.

در کتاب *زین الفتی فی شرح سورة هل اُتی*، اثر احمد بن محمد العاصمی، روایات ترتیب نزولی که در *المبانی* آمده تکرار شده‌است. دو نسخه‌ی خطی از این کتاب بررسی شد. گزیده‌هایی از این کتاب توسط دکتر محمدباقر محمودی به تحقیق و چاپ درآمده است.

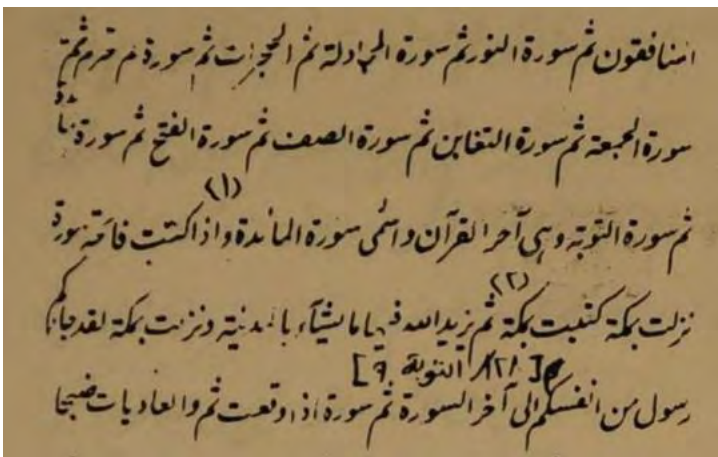


شکل ۲- روایت ابوصالح از ابن عباس در نسخه خطی کهن زین الفتی^۱

مؤلف این روایات را برای اثبات مدنی بودن سوره‌ی الانسان آورده‌است (العاصمی، نسخه خطی اول، تصویر ۱۳؛ همو، محمودی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۶). در بخشی از این کتاب، مؤلف به کتاب المبانی لنظم المعانی به عنوان تألیف پیشین خود اشاره می‌کند (همان، ص ۸۵).

در انتهای بخش مدنی پس از عبارت «و هی آخر القرآن»، عبارت «و اُسمى سورة المائدة» نوشته شده است که نسبت به نسخه خطی المبانی واژه‌ی «اسمی» را اضافه‌تر دارد (عاصمی، نسخه خطی اول، تصویر ۱۴، خط یکی به آخر مانده؛ همو، نسخه خطی دوم، ص ۴۸ تا ۵۰؛ همو، محمودی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۶).

^۱ تصویر این نسخه‌ی خطی کهن را دکتر محمدکاظم رحمتی، عضو هیئت علمی بنیاد دائرة المعارف اسلامی در اختیار نویسندگان قرار دادند.



شکل ۳- تکرار سوره‌ی المائدة و واژه اُسمى در نسخه خطی دوم زین الفتی

کاربرد و معنای واژه «اسمی» در متون حدیثی، شروح و کتب لغت پیجویی شد. در بررسی آثار حدیثی متقدم، این واژه به معنایی جز نام من یا نام بردن به کار نرفته است. معاصرین از این واژه در وزن اُفعل تفضیل به معنای «برتر و والاتر» زیاد استفاده می‌کنند. این واژه می‌تواند فعل یا اسم تفضیل از ریشه «س م و» باشد. به کار رفتن واژه «اسمی» در *زین الفتی* و به کار نبردن آن در *المبانی*، می‌تواند قرینه‌ای باشد بر این که این عبارت جزو روایت ابوصالح نیست. بررسی معانی مختلف این واژه و برآیند معانی احتمالی آن، گویای نقل دو قول در «آخر ما نزل» است که ترجیح مؤلف *زین الفتی* و *المبانی*، «آخر ما نزل» بودن سوره‌ی المائدة است.

۴-۳. فهرست ابوصالح در *الایضاح اندرابی*

الایضاح فی القرائات العشر اثر احمد بن ابی‌عمر، مشهور به ابو عبدالله خراسانی و زاهد اندرابی متوفی ۴۷۰ هجری است. این کتاب از ذخائر مکتب تفسیری کرامیه‌ی خراسان است. از کتاب *الایضاح* تنها یک نسخه موجود است که در کتابخانه‌ی بخش تحقیقات شرقی وابسته به دانشگاه استانبول نگهداری می‌شود^۱ (رحمتی، ۱۳۸۹). در این کتاب علاوه بر دانش قرائات و ویژگی‌های مصاحف، چندین روایت ترتیب نزول

^۱ تصویر نسخه‌ی خطی *الایضاح* از طریق آقای دکتر محمدکاظم رحمتی در اختیار نویسندگان قرار داده شد. تاریخ کتابت این نسخه ۵۶۶ هجری است.

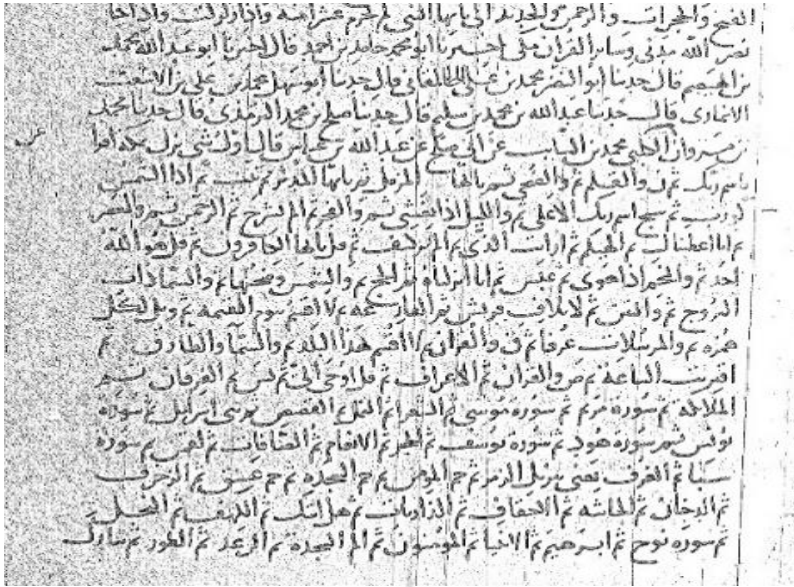
و اختلاف اقوال مکی و مدنی گزارش شده است. طبرسی^۱ صاحب تفسیر مجمع البیان، ذیل سوره‌ی الانسان، در بحث از شأن نزول این سوره و برای اثبات مدنی بودن آن، به *الایضاح* شیخ احمد زاهد اشاره کرده و بخشی از روایات ترتیب نزول را نقل کرده است که شامل سوره‌ی هل ائی در بخش مدنی است. یکی از روایاتی که *الایضاح* نقل کرده، روایت کلبی از ابوصالح از ابن عباس است. هرچند در این روایت نیز سوره‌ی الانسان در بخش مدنی قرار دارد اما طبرسی آن را در گزارش خود نیاورده است.

روایتی که اندرابی از ابوصالح نقل کرده کاملاً مشابه روایت *المبانی* است (اندرابی، نسخه‌ی خطی، باب عاشر). اختلافات این دو متن بسیار جزئی است. مثلاً در نسخه‌ی خطی *المبانی* میان سوره‌ی ابراهیم و سوره‌ی انبیاء یک عبارت «ثم اقترب» آمده است که چنین چیزی در نسخه‌ی خطی *الایضاح* نیست و این می‌تواند نشان دهنده تصحیح این اشتباه توسط مؤلف *الایضاح* باشد^۲.



۱. فضل بن حسن طبرسی (متوفی ۵۴۸ هجری).

۲. از آنجا که در *زین الفتی* نیز عبارت «ثم اقترب» به همین شکل آمده است، نمی‌توان آن را اشتباه نسخه‌نویس دانست و به نظر می‌رسد این عبارت یا در نقلی که به مؤلف *المبانی* و *زین الفتی* رسیده بوده یا اشتباه او است.



شکل ۴- تصویر روایت ابوصالح از ابن عباس در نسخه خطی الايضاح اندرابی

سند روایت نیز با صرف نظر از انتهای آن مشابه سند این روایت در المبانی است.

۴-۴. فهرست ابوصالح در شواهد التنزیل حسکانی

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل اثر قاضی ابوالقاسم، عبیدالله حسکانی نیشابوری متوفی بعد از ۴۷۰ هجری (حدود ۴۹۰)، معروف به ابن حذاء و حاکم حسکانی از علمای قرن پنجم هجری است. او را از علمای اهل تسنن و پیرو مذهب ابوحنیفه معرفی کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۱۸، ص ۲۶۸). این کتاب درباره‌ی اهل بیت پیامبر^(ص) به خصوص امیرالمؤمنین علی^(ع) تألیف شده است. انگیزه‌ی مؤلف از نگارش این کتاب پاسخگویی به شبهاتی بوده است که برخی از بزرگان مکتب کرامیه که در زمان او بر مردم ریاست داشته‌اند، در مجالس عمومی درباره‌ی علی^(ع) مطرح کرده و در زیر سؤال بردن مقام او و پدرانش زیاده‌روی می‌کردند تا جایی که می‌گفتند هیچ مفسری قائل نیست که سوره‌ی «هل أتی» در شأن امام علی^(ع) و خاندان وی فرود آمده است و نه تنها سوره‌ی انسان بلکه هیچ آیه‌ی دیگری در قرآن نیز در شأن ایشان نازل نشده است (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۹). مؤلف ذیل سوره‌ی انسان به

جهت اثبات مدنی بودن آیاتی که در شأن اهل بیت علیهم‌السلام نازل شده، و رد قول اهل تفسیر که این سوره مکی است، چند روایت از فهرست‌های ترتیب نزول از جمله روایت ابوصالح از ابن عباس را به صورت ناکامل آورده‌است:

«قرأت في التفسير تأليف أبي القاسم عبدالله بن محمداذبالناسحاق [قال]: كتب إلينا ابوسهل محمد بن محمد بن علي الطالقاني [قال]: أخبرنا عبدالله بن محمد بن سليم حدثنا صالح بن محمد الترمذي حدثنا محمد بن مروان، عن الكلبي عن أبي صالح عن ابن عباس قال: أول شيء نزل بمكة اقرأ باسم ربك؛ ثم ن والقلم؛ ثم والضحي؛ ثم يا أيها المزمل؛ ثم يا أيها المدثر؛ ثم تب؛ ثم إذا الشمس كورت. و ذكر إلى قوله: و هي ثلاث و؛ ثمانون سورة مما نزل بمكة. و أول شيء نزل بالمدينة ويل للمطففين؛ ثم البقرة؛ ثم الأنفال؛ ثم آل عمران؛ ثم الأحزاب؛ ثم الممتحنة؛ ثم النساء؛ ثم إذا زلزلت؛ ثم الحديد؛ ثم سورة محمد ص؛ ثم هل أتى على الانسان؛ ثم الطلاق. و ذكر [كلامه] إلى قوله: وإذا كانت فاتحة سورة نزلت بمكة كتبت [السورة] مكية؛ ثم يزيد الله فيها ما يشاء بالمدينة، فذلك ثلاثون سورة نزلت بالمدينة» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۱۱ و ۴۱۲).

ابتدای سند این روایت نیز مشابه ابتدای سند روایت *المبانی* است و متن روایت نیز تا جایی که در کتاب آورده شده مشابه همان روایت است. این فهرست فاقد سوره الحمد است و در بخش مدنی، همانند فهرستی که در *المبانی*، *زین الفتی و الايضاح* آمده‌است، سوره‌ی زلزال بلافاصله پیش از الحديد آمده و سوره الحج میان آن دو قرار ندارد. تنها تفاوتی که دیده می‌شود این است که روایت کتاب حسکانی با توضیح مبنای قرار گرفتن سوره در فهرست مکی و مدنی پایان می‌یابد، در حالی که در روایت *المبانی* چهار سوره پس از توضیح این مبنا نام برده شده‌است.

۴-۵. فهرست کلبی در تفسیر شهرستانی

تفسیر شهرستانی با نام *مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار*، تألیف محمدبن عبدالکریم شهرستانی متوفی ۵۴۸ هجری، اهل کلام و حکمت و مفسر به نام قرن پنجم و ششم هجری است. او در شهرستان از توابع خراسان به دنیا آمده و در همان جا و نیز گرگان و نیشابور به تحصیل علوم دینی پرداخته است. او به شهرهای مختلفی همچون خوارزم و مکه سفر کرده و مدتی نیز در بغداد به تدریس مشغول بوده است (شهرستانی، ۱۳۸۶، مقدمه‌ی مصحح، ص ۱۷). از تفسیر شهرستانی تنها یک نسخه‌ی خطی شناخته شده است که مربوط به تاریخ ۶۶۷ هجری و متعلق به کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی ایران است (شهرستانی، ۱۳۶۸، مقدمه، ص چهارده).

الحمد	بسم الله الرحمن الرحيم	مقاله در بیان...	ابن اقیل	تفسیر شهرستانی	
اقرا	اقرا	اقرا	اقرا	اقرا	ا
ن	ن	ن	ن	ن	ب
المزمل	المزمل	المزمل	المزمل	المزمل	ج
المدثر	المدثر	المدثر	المدثر	المدثر	د

شکل ۵- تصویر سر جدول روایات ترتیب نزول در نسخه‌ی خطی تفسیر شهرستانی

شهرستانی در بخش‌های آغازین این کتاب تفسیری، ذیل فصل اختلاف راویان در ذکر ترتیب نزول سور قرآن، فهرستی با عنوان فهرست ترتیب نزول ابن عباس در قالب جدول در کنار چهار فهرست دیگر^۱ آورده است. او این فهرست را روایت «الکلبی عن ابن عباس» معرفی کرده اما توضیحی بیش از این نداده و نامی از راویان دیگر به میان

^۱ پنج فهرست نقل شده در جدول شهرستانی عبارتند از: مقاتل از رجالش، مقاتل از امام علی (ع)، ابن عباس، ابن واقد و جعفر بن محمد الصادق (ع).

نیاورده‌است. شهرستانی برای سایر فهرست‌هایی که نقل کرده نیز به سند و منبع آنها اشاره‌ای نکرده‌است.

او اظهار می‌کند که این نقل‌ها را از رجال ثقه و منابع معتبر آورده و در آن شک نکنید، حتی اگر این روایات را در کتب تفسیری دیگر نمی‌بینید دلیل آن عدم احاطه یا اعتماد مفسرین به این فهرست‌های نقلی نیست، بلکه برای آنها فائده‌ی زیادی نداشته‌است که بخواهند همه‌ی این فهرست‌ها را بیاورند (شهرستانی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۸). فهرست ابن عباس به این ترتیب در جدول شهرستانی آمده‌است:

«أقرأ؛ ن؛ والضحی؛ المزمّل؛ المدثر؛ الفاتحة؛ تبت؛ كورت؛ الاعلی؛
واللیل؛ والفجر؛ الم نشرح؛ الرحمن؛ والعصر؛ الكوثر؛ التكاثر؛ الدین
؛ الفیل؛ الكافرون؛ الاخلاص؛ والنجم؛ الاعمی؛ القدر؛ والشمس؛
البروج؛ والتین؛ قریش؛ القارعة؛ القيامة؛ الهمزة؛ والمرسلات؛ ق؛
البلد؛ الطارق؛ القمر؛ ص؛ الاعراف؛ الجن؛ یس؛ الفرقان؛ الملائكة؛
مریم؛ طه؛ الشعراء؛ النمل؛ القصص؛ بنی اسرائیل؛ یونس؛ هود؛
یوسف؛ الحجر؛ الانعام؛ والصفات؛ لقمان؛ سبأ؛ الزمر؛ المؤمن؛
حم السجدة؛ حم عسق؛ الزخرف؛ الدخان؛ الجاثية؛ الاحقاف؛
والذاریات؛ الغاشية؛ الكهف؛ النحل؛ نوح؛ ابراهیم؛ الانبیاء؛ المؤمنون؛
الرعد؛ الطور؛ الملك؛ الحاقة؛ المعارج؛ النبأ؛ والنازعات؛ انفطرت؛
انشقت؛ الروم؛ العنكبوت؛ المطففون؛ البقرة؛ الانفال؛ آل عمران؛
الحشر؛ الاحزاب؛ النور؛ الممتحنة؛ الفتح؛ النساء؛ اذا زلزلت؛ الحج؛
الحديد؛ سورة محمد؛ الانسان؛ الطلاق؛ لم یكن؛ الجمعة؛ الم سجدة؛
المنافقون؛ المجادلة؛ الحجرات؛ المتحرّم؛ التغابن؛ الصف؛ المائدة؛
التوبة؛ النصر؛ الواقعة؛ والعاديات؛ الفلق؛ الناس» (شهرستانی؛
۱۳۶۸؛ ص ۲۷ - ۲۹).

این فهرست شباهت زیادی به فهرست ابوصالح از ابن عباس در تاریخ یعقوبی دارد. با این وجود؛ فهرستی که شهرستانی آورده‌است جافتادگی‌های فهرست کتاب یعقوبی را ندارد. **الزلال** در لیست سور مدنی قبل از **الحج** قرار گرفته و سه سوره‌ی

دیگر (الکافرون؛ التوحید و الانشقاق) در ترتیب‌هایی مطابق فهرست ابوصالح در *المبانی* جایگذاری شده‌اند. تنها اختلاف این دو فهرست جابجایی سوره‌های **سبأ** و **الزمر** است که در اینجا پیش از حوامیم واقع شده و در روایت یعقوبی در میان سور حوامیم نام آنها آمده‌است. در فهرست ابوصالح در *المبانی* نیز سوره‌های **سبأ** و **الزمر** پیش از حوامیم جایگذاری شده‌اند.

با وجود این که شهرستانی نامی از ابوصالح در سند این فهرست نیاورده‌است؛ اما با توجه به شواهد زیر به طور قطع می‌توان گفت این فهرست با فهرست‌های پیشین در منبع اشتراک دارد: ۱. این که کلبی راوی ابوصالح بوده و گفته شده‌است که ابوصالح تفسیر ابن عباس را از طریق کلبی روایت می‌کرده‌است (ابن سعد؛ ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۲۹۹)؛ ۲. شاخصه‌های مشترک این فهرست با ویژگی‌های خاص روایات نقل شده از ابوصالح یعنی: ثبت چهار سوره‌ی *الواقعة؛ العاديات و المعوذتين* در انتهای فهرست سور مدنی؛ جایگذاری سوره‌ی **الضحی** به عنوان سومین سوره؛ قرار داشتن سوره‌ی **الرعد** در بخش مکی و **الرحمان** در شمار سور متقدم مکی. انگیزه‌ی شهرستانی از عدم اشاره به نام ابوصالح به تحقیق جداگانه‌ای نیاز دارد.

۴-۶. فهرست مُقاتل در تفسیر شهرستانی

مقاتل بن سلیمان البلخی یا الازدی متوفی ۱۵۰ هجری، از اتباع تابعین و مفسر بزرگ قرن اول و دوم هجری است. او را بلخی و خراسانی معرفی کرده‌اند، اما مقاتل به خراسان محدود نبوده، بلکه پس از بلخ و سال‌ها تحصیل و تدریس در مرو، به بصره و بغداد رفته و پایان عمر خود را در بصره گذرانده‌است (جرجانی، ۱۴۱۸، ج ۸، ص ۱۸۵؛ ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۲۰۲). تحقیقات نشان می‌دهد مقاتل در مرو به عنوان یک متکلم مطرح بوده و بوم تفسیری او عراق و به ویژه بصره است (کلباسی و احمدنژاد، ۱۴۰۰). کتب رجالی او را منکر الحدیث شمرده و ضعف او را در حدیث روشن دانسته‌اند؛ اما وجهه‌ی تفسیری او را ستوده‌اند (جرجانی، ۱۴۱۸، ج ۸، ص ۱۹۰). مقاتل در تفسیر قرآن تنها به نقل و گزارش روایات بسنده نکرده‌است، بلکه

به نقد و گزینش روایات براساس عقل و اجتهاد خود نیز پرداخته‌است (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۲۲۰).

شهرستانی در مقدمه تفسیر خود، فهرستی با عنوان «مقاتل عن رجاله» در قالب جدول، بدون ذکر سند و منبع نقل کرده‌است:

«أقرأ؛ ن؛ والضحی؛ المزمّل؛ المدثر؛ تبت؛ کورت؛ الاعلی؛ واللیل؛
والفجر؛ الم نشرح؛ الرحمن؛ الکوثر؛ التکاثر؛ الدین؛ الفیل؛ الکافرون؛
الاخلاص؛ والنجم؛ الاعمی؛ والشمس؛ البروج؛ والتین؛ قریش؛
القارعة؛ القيامة؛ الهمزة؛ والمرسلات؛ ق؛ البلد؛ الطارق؛ القمر؛ ص؛
الاعراف؛ الجن؛ یس؛ الفرقان؛ الملائكة؛ مریم؛ طه؛ الشعراء؛ النمل؛
القصص؛ بنی اسرائیل؛ یونس؛ هود؛ یوسف؛ الحجر؛ الانعام؛
والصافات؛ لقمان؛ سبأ؛ الم السجدة؛ حم المؤمن؛ حم السجدة؛
حم عسق؛ الزخرف؛ الدخان؛ الجاثية؛ احقاف؛ والذاریات؛ الغاشية؛
الکھف؛ النحل؛ نوح؛ ابراهیم؛ الانبیاء؛ المؤمنون؛ الرعد؛ الطور؛
الملک؛ الحاقا؛ المعارج؛ النبأ؛ والنازعات؛ انفطرت؛ انشقت؛ الروم؛
العنکبوت؛ الانسان؛ الزمر؛ الواقعة؛ المطففون؛ الفاتحة؛ البقرة؛
الانفال؛ آل عمران؛ الحشر؛ الاحزاب؛ النور؛ الممتحنة؛ الفتح؛
النساء؛ اذا زلزلت؛ والعصر؛ الحج؛ الحديد؛ سورة محمد؛ الطلاق؛
القدر؛ لم یکن؛ الجمعة؛ المنافقون؛ المجادلة؛ الحجرات؛ المتحرّم؛
التغابن؛ الصف؛ المائدة؛ التوبة؛ النصر؛ والعادیات؛ الفلق؛ الناس»
(شهرستانی، ۱۳۹۸، ۷-آ۹).

وجود شاخصه‌های مشترک و منحصر به فهرست ابوصالح، فرضیه‌ی یکسانی ریشه‌ی این فهرست‌ها را شکل می‌دهد. از سوی دیگر، بررسی‌ها نشان می‌دهد که مقاتل در آرای تفسیری خود بیش از همه تحت تأثیر قتاده و کلبی بوده‌است که هر دو اهل عراق هستند (کلباسی و احمدنژاد، ۱۴۰۰، ص ۴۵۵). در منابع گزارش شده که مقاتل تفسیر خود را از کلبی گرفته‌است (جرجانی، ۱۴۱۸، ج ۸، ص ۱۸۷) آنچه درباره‌ی مقاتل و روش او در تفسیر گفته شده‌است، می‌تواند نشان دهنده‌ی اقتباس

مقاتل از مباحث تفسیری کلبی و سپس ترکیب آن با دیگر اقوال بر اساس گزینش و اجتهاد خود باشد. بدین سان، فهرست ترتیب نزولی که توسط مقاتل ارائه شده است نیز می‌تواند نسخه‌ی تغییر یافته‌ای از فهرست کلبی از ابوصالح از ابن عباس باشد.

ابن عباس ← ابوصالح ← کلبی ← مقاتل بن سلیمان

شکل ۶- بازسازی ریشه‌ی فهرست مقاتل بن سلیمان

در فهرست مقاتل، سوره‌های **الرعد** و **الرحمان** در ترتیبی مشابه فهرست‌های منقول از ابوصالح قرار دارند. همانند فهرست ابوصالح در یعقوبی، پس از سوره‌ی **التوبة**، سوره‌ی **النصر** واقع شده است. جایگذاری سور **الحشر**، **النور**، **الفتح** و نیز **الحج** مشابه فهرست تاریخ یعقوبی و روایت کلبی است. سه سوره‌ی **العادیات** و **المعوذتین** نیز مشابه فهرست‌های ابوصالح در انتهای لیست قرار گرفته‌اند. اما علیرغم سایر فهرست‌های ابوصالح و به طور کلی سایر فهرست‌های روایی، سوره‌ی **الحمد** پیش از **البقرة** قرار داده شده است و سه سوره‌ی **الواقعة**، **الزمر** و **الانسان** در انتهای بخش مکی فهرست جایگذاری شده‌اند. همچنین سوره‌های **العصر** و **القدر**، برخلاف سایر فهرست‌های روایی در میان سور مدنی واقع شده‌اند. ترتیب خاص این شش سوره منحصر به فهرست مقاتل است.

۵. مقایسه و تحلیل روایات ترتیب نزول ابوصالح از ابن عباس

فهرست روایی ابوصالح از ابن عباس با دو سند متفاوت اما هر دو از طریق کلبی گزارش شده است. روایات نقل شده در تاریخ یعقوبی و نیز مقدمه‌ی **تفسیر المبانی** و **زین الفتی، الايضاح فی القرائات اندرابی و شواهد التنزیل** حسکانی دارای سند متصل به ابن عباس هستند. این فهرست‌ها از لحاظ محتوا شباهت زیاد و شاخصه‌های مشترکی دارند. همچنین راویان اسناد مذکور شامل ابوصالح، کلبی، محمد بن کثیر، سدی صغیر و محمد بن حفص همگی کوفی هستند. فهرست کلبی از ابن عباس و فهرست مقاتل بن سلیمان در **تفسیر شهرستانی** نیز به دلیل ویژگی‌های خاص و مشابه با روایت ابوصالح به خصوص نقل یعقوبی، به مجموعه‌ی ابوصالح ملحق می‌شود.

ارتباط کلبی با ابوصالح و تأثیرپذیری مقاتل از کلبی و بوم عراق مؤید این نتیجه‌گیری است.

با توجه به سند روایت یعقوبی که به صورت معطوف از کلبی و محمدبن کثیر آمده است، صورت اولیه این ترتیب باید پیش از کلبی یعنی توسط ابوصالح شکل گرفته باشد. هرچند روایات ابوصالح غالباً از طریق کلبی نشر یافته است و به نظر می‌رسد تفسیر کلبی مبدأ انتشار این ترتیب باشد.

روایت ترتیب نزول ابوصالح از طریق کلبی و سدی صغیر تنها در کتب کرامیه نقل شده که کهن‌ترین منبع در دسترس آن *المبانی لنظم المعانی* است و او آن را با واسطه از ابوسهل الانماری و کتاب *مفقود فیه ما فیه* او گزارش می‌کند. روایت ترتیب نزول از محمدبن کثیر نیز تنها در *تاریخ یعقوبی* آمده است. نام ابوصالح و کلبی در میان مروی‌عنه‌های این راوی در منابع رجالی یافت نمی‌شود (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۱۰، ص ۳۸۴). همچنین در میان راویان ابوصالح هم از او نامی برده نشده است. درباره‌ی محمدبن حفص بن الاسد کوفی داده‌ای یافت نشد. اما با توجه به سال وفات راویان، یعقوبی نمی‌توانسته بی‌واسطه از این راوی نقل کرده باشد. بنابراین سند افتادگی دارد و به اصطلاح معلق است.

مقایسه‌ی متنی دسته روایات ترتیب نزول ابوصالح از ابن عباس در منابع موجود با در نظر گرفتن اختلافات آنها، سه تحریر از فهرست ابوصالح به دست می‌دهد:

۱- تحریر *تاریخ یعقوبی* از طریق محمدبن حفص از محمدبن کثیر و کلبی و مشابه آن با عنوان ترتیب کلبی از ابن عباس در *تفسیر شهرستانی*؛

۲- تحریر *المبانی* و مشابه آن در *الایضاح* از طریق محمدبن مروان سدی صغیر از کلبی؛

۳- تحریر مقاتل بن سلیمان در *تفسیر شهرستانی*.

مهم‌ترین شاخصه‌های مشترک و منحصر به فرد این مجموعه عبارتند از:

- جایگذاری سوره‌ی الضحی در ردیف سوم ترتیب نزول؛
- جایگذاری سوره‌ی الرعد در بخش مکی فهرست؛
- جایگذاری سوره‌ی الرحمن در بخش ابتدایی سور مکی؛

- نام بردن از سوره‌های العادیات، الفلق و الناس در انتهای بخش مدنی فهرست.

اختلافات محتوایی این فهرست‌ها به صورت موردی بررسی می‌شود:

الف) اولین سوره‌ی مدنی: در روایات ذکر شده، بخش مکی و مدنی جدا شده‌اند. در این روایات، سوره‌ی **المطففین** اولین سوره‌ی مدنی است. در جداول تفسیر **شهرستانی** بخش‌های مکی و مدنی تفکیک نشده‌اند و بدون قرینه نمی‌توان اولین سوره‌ی مدنی و مرز میان مکی و مدنی را تشخیص داد. در مورد فهرست‌های کلبی و مقاتل با توجه به روایات ابوصالح و نیز به قرینه‌ی گزارش مدنی بودن سوره‌ی **المطففین و الحمد** در تفسیر مقاتل (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۶۱۹؛ همان، ج ۱، ص ۳۵) و نیز مکی بودن سور قبل از آن شامل: **الواقعة** (همان، ج ۴، ص ۲۱۳)، **الزمر** (همان، ج ۳، ص ۶۶۷)، **الانسان** (همان، ج ۴، ص ۵۱۹)، می‌توان گفت در این فهرست‌ها هم **المطففین** اولین سوره‌ی مدنی است.

ب) آخرین سوره‌ی مکی: در مورد آخرین سوره‌ی مکی نیز در فهرست کلبی به قرینه‌ی ترتیب ابوصالح می‌توان گفت **العنکبوت** آخرین سوره‌ی مکی است. اما در فهرست مقاتل میان **العنکبوت** و **المطففین** سه سوره‌ی دیگر نام برده شده‌است. مقاتل در تفسیر خود درباره‌ی زمان نزول سوره‌ی **العنکبوت** گزارش می‌دهد که این سوره مکی است و می‌گویند بین راه مکه و مدینه در زمان هجرت نازل شده‌است (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۳۷۱). او ذیل **الواقعة** و سایر سور انتهای فهرست مکی اشاره‌ای به آخرین سوره بودن یا نزدیکی به هجرت نمی‌کند. بنابراین جایگذاری سه سوره‌ی **الانسان، الزمر و الواقعة** بعد از **العنکبوت** تنها نشان‌دهنده‌ی مکی دانستن آنها توسط مقاتل است، نه قرار داشتن در ردیف آخرین سور نازل در مکه.

ج) سوره‌های آخر فهرست مدنی: در انتهای فهرست ابوصالح در تاریخ یعقوبی پس از سوره‌ی **التوبة** بلافاصله نام پنج سوره‌ی **النصر، الواقعة، العادیات و المعوذتین** آمده‌است و سپس دو آیه‌ی آخر سوره‌ی **التوبة** را در این روایت «آخر ما نزل» معرفی کرده‌است. در فهرست کلبی در تفسیر **شهرستانی** نیز این سوره‌ها پس از **التوبة** در جدول قرار داده شده‌اند.

در *تحریر المبانی*، بعد از نام سوره‌ی التوبة چنین آمده که این آخرین سوره است، سپس این توضیح آمده که اگر نزول سوره‌ای در مکه آغاز شده باشد به عنوان سوره‌ی مکی نوشته می‌شود، هر چند خداوند در مدینه به آن افزوده باشد و دو آیه‌ی آخر سوره‌ی التوبة در مکه نازل شده است، سپس نام چهار سوره‌ی **الواقعة، العاديات، الفلق و الناس** به این جمله عطف شده است. بنابراین می‌توان احتمال داد در اصل روایت، این چهار سوره مکی به حساب آمده‌اند، یا حداقل به جهت ذکر سوره‌های جافتاده از فهرست، بی‌اطلاعی از جایگاه دقیق آنها در ترتیب مدنی و یا تردید در مکی و مدنی بودن آنها در پایان روایت آمده است، نه این که آخرین سوره‌های نازل شده در مدینه باشند. بنا بر این احتمال، ذکر تعداد سوره‌های مکی و مدنی ضمن روایت نیز توسط یکی از مؤلفین تحریر شده است.

د) جایگذاری سوره‌ی النصر: در روایت ابوصالح در تاریخ یعقوبی، سوره‌ی **النصر** پس از سوره‌ی **التوبة** نام برده شده است. این ویژگی در فهرست ابن عباس در تفسیر *شهرستانی* نیز تکرار شده اما در *المبانی*، سوره‌ی النصر به عنوان نود و هشتمین سوره و پیش از المنافقون جایگذاری شده است. *تاریخ یعقوبی*، ذیل باب الفتح مکه، نزول سوره‌ی النصر را در شهر مکه و جریان الفتح آن در رمضان سال هشتم هجری گزارش کرده است (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۶۱). با توجه به مبنای عدم پیوستگی که در همین روایت به آن تصریح شده، این مسئله قابل توجیه است. طبق این مبنا، اگر در جایگذاری سوره‌ی النصر اشتباه رخ نداده باشد، هر چند بنا بر متن روایت، آخرین آیات نازله‌ی قرآن در سوره‌ی التوبة، یا بنا بر نظر یعقوبی سوره‌ی المائدة است، اما آغاز نزول آنها بر اساس تاریخ‌گذاری سوره‌ی النصر، پیش از الفتح مکه در سال هشتم هجری است. (برای اطلاعات بیشتر درباره تاریخ‌گذاری سوره النصر، رک. کلباسی، احمدنژاد، ۱۳۹۶).

ه) جایگذاری سور الحج و السجدة: این دو سوره در فهرست یعقوبی مدنی، در فهرست *المبانی* مکی و در فهرست مقاتل السجدة مکی و الحج مدنی است. هر چند ویژگی‌های خاص و مشابه مجموعه‌ی فهرست‌های ابوصالح، نشان دهنده‌ی وحدت منشأ این روایات است، اما برخی اختلافات نمی‌تواند ناشی از خطای نقل و استنساخ

باشد. اختلافاتی مانند جابجایی **الحج** و **السجدة** میان بخش مکی و مدنی و نیز جایگذاری یا حذف سوره‌ی **الحمد**، جایگاه سوره‌ی **الفتح** در بخش مدنی و از این قبیل اختلافات است. به نظر می‌رسد این جابجایی‌ها معلول گزینش میان اقوال و اعمال رأی اجتهادی در فهرست توسط یکی از روایان یا ضابطان حدیث باشد. فهرست مقاتل که در این پژوهش ذیل روایات ابوصالح قرار داده‌شد، بیشترین شمار اختلاف با فهرست‌های این مجموعه را دارد. اختلاف این فهرست با سایر فهرست‌های ابوصالح، به خصوص تغییر جایگاه سور مکی و مدنی مانند انتقال سوره‌های **الحمد**، **العصر** و **القدر** به بخش مدنی، و به عکس سوره‌های **الانسان** و **الواقعة** به بخش مکی، نشان دهنده‌ی اعمال نظر او در تنظیم فهرست است. بنابراین فهرست مقاتل نمی‌تواند یک فهرست روایی محض محسوب شود، بلکه می‌توان آن را بر اساس مبنای مقاتل، یک ترتیب روایی-اجتهادی دانست. مبنایابی فهرست مقاتل پژوهش مستقلی را می‌طلبد. این تغییر ماهیت از روایی به روایی-اجتهادی یا ترکیبی حداقل در مورد یکی دیگر از فهرست‌های مجموعه‌ی ابوصالح از ابن عباس نیز برقرار است.

۶- جدول فهرست‌های ابوصالح از ابن عباس

با کنار هم قرار دادن مجموعه‌ی روایات و فهرست‌های ابن عباس از طریق ابوصالح جدول زیر برای بخش مکی به دست می‌آید. فهرست **حسکانی**؛ **زین الفتی** و **الایضاح مطابق المبانی** است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقال	کلبی	المبانی	بعقوبی
شوری	زمر	زمر	زخرف
زخرف	غافر	غافر	سیا
دخان	فصلت	فصلت	زمر
جاثیه	شوری	شوری	دخان
احقاف	زخرف	زخرف	جاثیه
ذاریات	دخان	دخان	احقاف
غاشیه	جاثیه	جاثیه	ذاریات
کهف	احقاف	احقاف	غاشیه
نحل	ذاریات	ذاریات	کهف
نوح	غاشیه	غاشیه	نحل
ابراهیم	کهف	کهف	نوح
انبیاء	نحل	نحل	ابراهیم
مومنون	نوح	نوح	انبیاء
رعد	ابراهیم	ابراهیم	مومنون
طور	انبیاء	انبیاء	رعد
ملک	مومنون	مومنون	طور
حاقه	رعد	سجده	ملک
معارض	طور	رعد	حاقه
تبا	ملک	طور	معارض
نازعات	حاقه	ملک	تبا
انفطار	معارض	حاقه	نازعات
انشقاق	تبا	معارض	انفطار
روم	نازعات	تبا	انشقاق
عنکبوت	انفطار	نازعات	روم
	انشقاق	انفطار	عنکبوت
انسان	روم	انشقاق	
زمر		روم	انسان
واقعه	عنکبوت	روم	زمر
	عنکبوت		واقعه

مقال	کلبی	المبانی	بعقوبی
مرسلات	قارعه	قارعه	همزه
ق	قیامه	قیامه	مرسلات
بلد	همزه	همزه	ق
طارق	مرسلات	مرسلات	بلد
قمر	ق	ق	طارق
ص	بلد	بلد	قمر
اعراف	طارق	طارق	ص
جن	قمر	قمر	اعراف
یس	ص	ص	جن
فرقان	اعراف	اعراف	یس
فاطر	جن	جن	فرقان
مریم	یس	یس	فاطر
طه	فرقان	فرقان	مریم
شعراء	فاطر	فاطر	طه
نمل	مریم	مریم	شعراء
قصص	طه	طه	نمل
اسراء	شعراء	شعراء	قصص
یونس	نمل	نمل	اسراء
هود	قصص	قصص	یونس
یوسف	اسراء	اسراء	هود
حجر	یونس	یونس	یوسف
انعام	هود	هود	حجر
صافات	یوسف	یوسف	انعام
لقمان	حجر	حجر	صافات
سیا	انعام	انعام	لقمان
سجده	صافات	صافات	سیا
غافر	لقمان	لقمان	سجده
فصلت	سیا	سیا	غافر
شوری			فصلت

مقال	کلبی	ابوصالح (المبانی)	ابوصالح (بعقوبی)
علق	علق	علق	علق
قلم	قلم	قلم	قلم
ضحی	ضحی	ضحی	ضحی
مزمل	مزمل	مزمل	مزمل
مدثر	مدثر	مدثر	مدثر
حمد	حمد	مسد	حمد
مسد	تکویر	مسد	مسد
تکویر	اعلی	تکویر	تکویر
اعلی	لیل	اعلی	لیل
لیل	فجر	لیل	لیل
فجر	انشراح	فجر	فجر
انشراح	رحمن	انشراح	انشراح
رحمن	عصر	رحمن	رحمن
عصر	کوثر	عصر	عصر
کوثر	تکائر	کوثر	کوثر
تکائر	ماعون	تکائر	تکائر
ماعون	فیل	ماعون	فیل
فیل	کافرون	فیل	کافرون
کافرون	توحید	کافرون	توحید
توحید	نجم	کافرون	نجم
نجم	عبس	توحید	عبس
عبس	قدر	نجم	قدر
قدر	شمس	عبس	شمس
شمس	بروج	قدر	شمس
بروج	حج	بروج	بروج
بروج	شمس	شمس	شمس
شمس	قاریش	بروج	قاریش
قاریش	قیامه	تین	قاریش
قیامه	همزه	قاریش	قیامه

برخی از موارد اختلافی در جدول با رنگ دیگری مشخص شده‌اند. جدول زیر نیز برای مقایسه‌ی بخش مدنی فهرست‌های مجموعه‌ی ابوصالح از ابن عباس تنظیم شده‌است:

مقال	کلی	المبانی	بعقوبی
مجادله	حجرات	تغابن	تحریم
حجرات	تحریم	صف	تغابن
تحریم	تغابن	فتح	صف
تغابن	صف	مائده	مائده
صف	مائده	توبه	توبه
مائده	توبه	واقعه	نصر
توبه	نصر	عادیات	واقعه
نصر	واقعه	فلق	عادیات
عادیات	عادیات	ناس	فلق
فلق	فلق		ناس
ناس	ناس		

مقال	کلی	المبانی	بعقوبی
نساء	زلزال	انسان	حج
زلزال	حج	طلاق	حدید
عصر	حدید	ینه	محمد
حج	محمد	حشر	انسان
حدید	انسان	نصر	طلاق
محمد	طلاق	منافقون	ینه
طلاق	ینه	نور	جمعه
قدر	جمعه	مجادله	سجده
ینه	سجده	حجرات	منافقون
جمعه	منافقون	تحریم	مجادله
منافقون	مجادله	جمعه	حجرات

مقال	کلی	المبانی	بعقوبی
مطففین	مطففین	مطففین	مطففین
حمد	بقره	بقره	بقره
بقره	انفال	انفال	انفال
انفال	آل	آل	آل
انفال	عمران	عمران	عمران
آل	حشر	احزاب	حشر
عمران	حشر	احزاب	احزاب
حشر	احزاب	متحنه	احزاب
احزاب	نور	نساء	نور
نور	متحنه	زلزال	متحنه
متحنه	فتح	حدید	فتح
فتح	نساء	محمد	نساء

• نتیجه

آنچه با گردآوری روایات ترتیب نزول از کهن‌ترین منابع موجود و بررسی اسناد و متن این روایات، درباره فهرست ابوصالح از ابن عباس به دست می‌آید از قرار زیر است:

۱- اسناد روایت و بوم راویان نشان می‌دهد خاستگاه این فهرست کوفه است. طرق دیگر فهرست‌های ابن عباس؛ یعنی طریق کرب؛ مجاهد و عطاء غیر کوفی هستند.

۲- سند فهرست کلبی از ابن عباس در تفسیر شهرستانی را می‌توان با استفاده از سند روایت کلبی از ابوصالح از ابن عباس در تاریخ یعقوبی تکمیل کرد.

۳- مقاتل بن سلیمان فهرست خود را در اصل از کلبی دریافت کرده و آن را بر اساس اجتهاد خود و ترجیح دیگر اقوال درباره زمان نزول سور تغییر داده است. بنابراین نمی‌توان آن را فهرست روایی محض به شمار آورد.

۴- با توجه به مجموعه‌ی اسناد روایت، به نظر می‌رسد نسخه‌ی اولیه این ترتیب توسط ابوصالح شکل گرفته است (با نگاه خوش‌بینانه بر اساس آنچه از ابن عباس آموخته است) و اختلافات این مجموعه حاصل دخالت سهوی و عمدی راویان یا کاتبان بعدی است.

۵- قرار گرفتن نام برخی از سوره‌ها در انتهای بخش مدنی (بعد از التوبة؛ در تمامی فهرست‌های مجموعه‌ی ابوصالح) یا انتهای بخش مکی (بعد از العنکبوت، در فهرست مقاتل) لزوماً به این معنا نیست که صاحب یا راوی فهرست آن‌ها را آخرین سوره‌های نازل شده در مدینه یا مکه دانسته است. بلکه احتمال دارد در مواردی که ترتیب سوره‌ای به طور دقیق مشخص نبوده است آن را در انتهای فهرست عنوان کرده باشند. تصریح به آخرین سوره بودن التوبة در متن روایت ابوصالح در المبانی پیش از نام بردن از چند سوره، مؤید این احتمال است.

۶- بعضی از اختلافات در دسته روایات ابوصالح مانند برخی جاافتادگی‌ها را می‌توان به حساب خطای سهوی در نقل یا استنساخ گذاشت. اما گاهی اختلافات با خطای نقل و استنساخ قابل توجیه نیست و به نظر می‌رسد تغییر عمدی صورت گرفته باشد. اختلافاتی که می‌توان آن‌ها را ناشی از اعمال نظر در محتوای روایت ابوصالح توسط راویان بعد از کلبی دانست عبارتند از:

• حذف و اضافه‌ی سوره‌ی الحمد در دو طریق سدی صغیر در المبانی و

محمد بن حفص در تاریخ یعقوبی؛

- قرار دادن سوره‌ی الحمد در ابتدای فهرست مدنی توسط مقاتل؛
 - جابجا شدن سوره‌های الحج و السجدة میان بخش مکی و مدنی در هر سه تحریر؛
 - جابجایی ترتیب سوره‌های النصر؛ الحشر؛ النور و الفتح در بخش مدنی در هر سه تحریر؛
 - انتقال سوره‌های الانسان و الواقعة از بخش مدنی به مکی در فهرست مقاتل؛
 - انتقال سوره‌های العصر و القدر از بخش مکی به مدنی، توسط او.
- آنچه در مورد اجتهادی بودن موارد اختلافی در فهرست مقاتل گفته شد؛ در مورد دو تحریر دیگر نیز وجود دارد. هرچند به طور دقیق و یقینی نمی‌توان مشخص کرد که کدام موارد مطابق نقل از ابوصالح و کدامیک اجتهاد است و کدام راوی یا مؤلف به اعمال نظر خود در فهرست پرداخته است.
- دسته‌بندی سایر فهرست‌های نقلی، تبارشناسی، مبنایابی و اعتبارسنجی آن‌ها در پژوهشی مشابه نوشتار حاضر و در مجموعه‌ای کامل می‌تواند به فهم ماهیت و وثاقت فهرست‌های روایی و نزدیک شدن به کشف ترتیب اصیل سور قرآن کریم کمک کند.

• منابع

۱. ابن‌سعد، محمد (۱۴۱۰ق). *طبقات الكبرى*. تحقیق محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیة.
 ۲. اعرابی، غلامحسین (۱۳۸۱). شخصیت و آثار مؤلف المبانی لنظم المعانی. *مقالات و بررسیها*. (۷۱)، صص ۶۳-۷۳.
 ۳. اقبال، ابراهیم (۱۳۹۴). تاریخ‌گذاری سوره الحج؛ درنگی در مکی یا مدنی بودن سوره و نقش آن در تفسیر. *فصلنامه‌ی پژوهش‌های قرآنی*. ۲۰ (۷۶)، صص ۱۱۲-۱۳۹.
 ۴. اکرمی، ایوب (۱۳۹۸). اعتبارسنجی دلایل و معیارهای تعیین ترتیب نزول قرآن. *فصلنامه‌ی پژوهش‌های قرآنی*. ۲۴ (۹۰)، صص ۱۰۵-۱۳۲.
 ۵. بخاری، محمدبن اسماعیل (بی‌تا). *التاریخ الكبير*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
 ۶. بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۰). *همگام با وحی - تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)*. قم: مؤسسه‌ی تمهید.
 ۷. جرجانی، ابواحمد بن عدی (۱۴۱۸ق). *الکامل فی ضعفاء الرجال*. تحقیق: عادل احمد عبدال موجود. بیروت: الکتب العلمیة.
 ۸. جفری، آرتور (۱۳۹۲ق). *مقدمتان لعلوم القرآن؛ المبانی لنظم المعانی*. مصحح: عبدالله اسماعیل صاوی. قاهره: مکتبه‌الخانجی.
 ۹. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التنزیل*. محقق: محمدباقر محمودی. تهران: وازرة الثقافة و الارشاد الاسلامی.
 ۱۰. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق). *سیر اعلام النبلاء*. مجموعه‌ای از محققین. بیروت- لبنان: مؤسسه الرسالة.
 ۱۱. ذهبی، محمد بن احمد (۲۰۰۳م). *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*. محقق: بشار عواد المعروف. بیروت- لبنان: دار الغرب الاسلامی.
 ۱۲. رامیار، محمود (۱۳۶۹). *تاریخ قرآن*. تهران: امیرکبیر.
 ۱۳. رحمتی، محمد کاظم (۱۳۸۳). اندرابی و کتاب الايضاح فی القراءات؛ متنی کهن از کرامیان خراسان. *مجله آینه میراث*. (۲۷)، صص ۱۷-۶۸.
 ۱۴. زنجانی، ابو عبدالله (۱۴۰۴ق). *تاریخ القرآن*. تهران: منظمة الاعلام الاسلامی.
 ۱۵. سلمانزاده، جواد (۱۳۹۹). روش کشف ترتیب نزول با تمرکز بر اخبار ترتیب نزول. *پژوهش‌نامه معارف قرآنی*. ۱۱ (۴۰)، صص ۱۰۷-۱۲۸.
- <https://doi.org/10.22054/rjqk.2020.49912.2022>
۱۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ق). *الاتقان فی علوم القرآن*. محقق: فواز احمد زمزلی. بیروت: دار الکتب العربی.

۱۷. شاکر، محمدکاظم و ساکی، نانسی (۱۳۹۳). نقش روایات در تعیین تاریخ تثبیت نهایی قرآن. *نشریه سراج منیر*. ۵(۱۵)، صص ۷-۳۶.
<https://doi.org/10.22054/ajsm.2014.1302>
۱۸. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم (۱۳۸۶). *مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار (تفسیر الشهرستانی)*. مصحح: محمدعلی آذرشب. تهران: مرکز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط.
۱۹. العاصمی، احمدبن محمد و محمودی، محمدباقر (۱۴۱۸ق). *العسل المصفی من تهذیب زین الفتی فی شرح سورة هل أتى*. قم: مجمع احیای فرهنگ اسلامی.
۲۰. العجلی، ابوالحسن احمد (۱۴۰۵ق). *تاریخ الثقافات*. چاپ اول. بی جا: دارالباز.
۲۱. العونی، حاتم الشریف (بی تا). *القول المحرر فی روایة ابی صالح باذام*. المكتبة الشاملة.
۲۲. کشی، محمدبن عمر (۱۴۰۹ق). *رجال الکشی: اختیار معرفه الرجال*. محقق: محمدبن الحسن طوسی. مصحح حسن مصطفوی. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۲۳. کلباسی، زهرا و احمدنژاد، امیر (۱۳۹۶). خوانشی نو در تاریخ گذاری سوره النصر. *تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء (س)*. ۱۴(۴)، صص ۱۲۹-۱۵۷.
 DOI: [10.22051/tqh.2017.14680.1575](https://doi.org/10.22051/tqh.2017.14680.1575)
۲۴. کلباسی، زهرا و احمدنژاد، امیر (۱۳۹۸). بازخوانی انتقادی روایات ترتیب نزول؛ مطالعه موردی سه سوره منافقون. نور و احزاب. *کتاب قیم*. ۹(۲۰)، صص ۱۲۵-۱۴۸.
۲۵. کلباسی، زهرا و احمدنژاد، امیر (۱۴۰۰). بازخوانی نقش مقاتل بن سلیمان در شکل گیری آیات مستثنا. *پژوهش های قرآن و حدیث*. ۵۴(۲)، صص ۴۴۷-۴۶۵.
 DOI: [10.22059/jqst.2022.328812.669795](https://doi.org/10.22059/jqst.2022.328812.669795)
۲۶. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الاصول من الکافی*. محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۵). *تفسیر و مفسران*. قم: مؤسسه فرهنگی انتشارات التمهید.
۲۸. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۸). *التمهید فی علوم القرآن*. قم: مؤسسه فرهنگی انتشارات التمهید.
۲۹. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. محقق: عبدالله محمود شحاته. لبنان: داراحیاء التراث العربی.
۳۰. نزال، عمران سمیح (۱۴۲۷ق). *الوحدة التاريخية للسور القرآنية*. دمشق-عمان: دارالقراء- دارقتیبة.

۳۱. نکونام، جعفر (۱۳۷۳). *بررسی ترتیب نزول قرآن در روایات*. رساله دکتری. استاد راهنما: دکتر سید محمدباقر حجتی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۳۲. نکونام، جعفر (۱۳۸۰). *درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن*. تهران: نشر هستی‌نما.
۳۳. یعقوبی، احمدبن‌ابی‌یعقوب (۱۳۸۴ق). *تاریخ الیعقوبی*. مقدمه‌نویس و مصحح: محمدصادق بحرالعلوم. نجف: منشورات المكتبة الحیدریة ومطبعتها فی النجف.
۳۴. یعقوبی، احمدبن‌ابی‌یعقوب (بی‌تا). *تاریخ الیعقوبی*. بیروت: دارصادر.
۳۵. یعقوبی. احمدبن‌ابی‌یعقوب (۱۳۷۱ش). *تاریخ یعقوبی*. ترجمه: محمدابراهیم آیتی. چاپ ششم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

*نسخ خطی

۳۶. *المبانی لنظم المعانی*. تصویر تک نسخه‌ی خطی برلین.
۳۷. *زین الفتی فی شرح سورة هل أتى*. تصویر نسخه خطی اول. کهن‌ترین نسخه موجود (کتابت ۱۱۱۴ق)
۳۸. *زین الفتی فی شرح سورة هل أتى*. تصویر نسخه‌ی خطی دوم. مرجع محمدباقر محمودی برای کتاب «العسل المصفی...».
۳۹. اندرابی. احمدبن‌ابی‌عمر. *الإيضاح فی القراءات العشر*. تصویر تک نسخه‌ی خطی استانبول.
۴۰. شهرستانی. محمدبن‌عبدالکریم (۱۳۶۸). *مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار*. چاپ عکسی تک نسخه‌ی خطی ایران. مقدمه‌نویس: عبدالحسین حائری. تهران: مرکز انتشار نسخ خطی - با همکاری کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

41. Noldeke, Theodor (2013): *The History of The Quran, Adited and Translated by: Wolfgang H.Behn, Boston, Leiden.*

References:

1. Ibn Ṣa'd, Muhammad (1410 AH). *al-Ṭabaqāt al-Kubrā*. Research: Muhammad 'Abd al-Qādir 'Aṭā, Beirut: Dār al-Kutub al- 'Ilmīyah. [In Arabic]
2. 'A'rābī, Ghulām ḥussein, (2002) "Character and works of the writer of al-Mabānī li-niẓm al-ma'ānī", *Maqālāt va barrāsīhā*, no. 71, pp. 63-73, summer 1381. [In Persian]
3. Eqbal, E., & Feqhizadeh, A. A. (2015). Dating Sūrat al-Ḥaj A Deliberation on this Sūra as whether to be Makkī or Madanī and its Role in Interpretation. *Qru'anic Reserches*, 20(76), 112-139. [In Persian]
4. Akramī, Ayoūb, (2019) "Testing Validity of the Reasons and Criteria for Determining Revelation Order of the Qur'an", *Qur'anic Researches A Peer-Reviewed Quarterly Journal*, vol. 24, no. 90, pp. 105-132, 1398 doi:10.22081/jqr.2018.46999.1481. [In Persian]
5. Bukhārī, Muḥammad ibn Ismā'īl, (n.d.) *at-Tārīkh al-kabīr*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah. [In Persian]
6. Bahjatpūr, 'Abd al-Karīm (1390 HS) *Hamgām bā vaḥy – tafsīr e- tanzīlī*, Qom: At-Tamhīd Institute. [In Arabic]
7. Jurjānī, Abū Aḥmad ibn 'Adī, (1418 AH) *al-Kāmil fī ḍu'afā' al-rijāl*, edited by 'Ādil Aḥmad 'Abd al-Majīd, Beirut: al-Kutub al-'Ilmīyah. [In Arabic]
8. Jeffry, Arthur, (1392 AH) *Muqaddamatān li-'ulūm al-Qur'ān – al-Mabānī li-niẓm al-ma'ānī*, corrected by 'Abdallāh Ismā'īl Ṣāwī, Cairo: Maktabat al-Khānjī, 1392 AH. [In Arabic]
9. Ḥaskānī, 'Ubaydallāh ibn 'Abdallāh, (1411 AH) *Shawāhid at-tanzīl li-qawā'id at-tanzīl*, edited by Muḥammad Bāqir Maḥmūdī, Tehran: Vazārat al-thaqāfah va al-irshād al-islāmī. [In Arabic]
10. Ḍahabī, Muḥammad ibn Aḥmad (1405 AH), *Sīrat a'lām al-nubalā'*, a group of editors, Ar-Risālah Institute. [In Arabic]
11. Ḍahabī, Muḥammad ibn Aḥmad, (2003), *Tārīkh al-islām wa wafayāt al-mashāhīr wa al-a'lām*, edited by Bashār 'Awād al-Ma'rūf, Dār al-Gharb al-Islāmī, 2003 AD. [In Arabic]
12. Rāmīār, Maḥmūd (1369 SH) *Tārīkh-e Qur'ān*, Tehran: Amīrkabīr. [In Persian]
13. Raḥmatī, Muḥammad Kāẓem (1383 SH), "Andrābī and the book *al-Īdāḥ fī al-qirā'āt: An Old context from the karāmīyān of Khurāsān*", *Mirror of Heritage (Ayene-ye Miras) Semiannual*

- Journal of Literary and Textological Studies, no. 27, pp. 17-68.
[In Arabic]
14. Zanĵānī, Abū ‘Abdallāh (1404 AH), *Tārīkh al-Qur’ān*, Tehran: Manẓamat al-a‘lām al-islāmī. [In Arabic]
 15. salmanzade, J. (2020). Methodology of discovering the order of descent. *Quranic Knowledge Research*, 11(40), 107-128. doi: 10.22054/rjqk.2020.49912.2022 [In Persian]
 16. Suyūfī, ‘Abd al-Raḥmān ibn Abī Bakr (1421 AH) *al-Iqtān fī ‘ulūm al-Qur’ān*, edited by Fawāz Aḥmad Zamirlī, Beirut: Dār al-Kutub al- ‘Arabī. [In Arabic]
 17. shaker, M. K., & Saki, N. (2014). The Role of Narratives in Determining the Finalization of Quran’s. *Seraje Monir*, 5(15), 7-36. doi: 10.22054/ajsm.2014.1302 [In Persian]
 18. Shahrīstānī, Muḥammad ibn ‘Abd al-Karīm (1386AH) *Mafātīḥ al-asrār wa maṣābīḥ al-abrār (tafsīr al-Shahrīstānī)*, edited by Muḥammad ‘Alī Āzar-shab, Tehran: Markaz al-buḥūth wa al-dirāsāt li-t-turāth al-makhtūṭ. [In Arabic]
 19. al- ‘Āṣimī, Aḥmad ibn Muḥammad al- ‘Āṣimī, and Muḥammad Bāqir Maḥmūdī (1418) AH *al-‘Asal al-muṣaffā min tahdhīb Zayn al-fattā fī sharḥ sūrat Hal āta*, Qom: Majma‘ iḥyā’ al-thaqāfah al-islāmīyah. [In Arabic]
 20. al- ‘Ajlī, Abū al-Ḥasan Aḥmad (1405 AH), *Tārīkh al-thiqāt*, Dār al-Bāz. [In Arabic]
 21. al- ‘Ūnī, Ḥātim al-Sharīf (n.d.), *al-Qawl al-muḥarrar fī riwāyat Abī Ṣāliḥ Bādhām*, no place. [In Arabic]
 22. Kashshī, Muḥammad ibn ‘Umar (1409 AH), *Rijāl al-Kashshī – ikhtiyār ma‘rifat al-rijāl*, Muḥammad ibn al-Ḥasan Ṭūsī and Ḥasan Muṣṭafavī (eds.), Mashhad: nashr-e dāneshgāh-e Mashhad institute. [In Arabic]
 23. Kalbasi, Z., & ahmadnezhad, A. (2017). The analysis of Surah Al Nasr dating. *Researches of Quran and Hadith Sciences*, 14(4), 117-140. doi: 10.22051/tqh.2017.14680.1575 [In Persian]
 24. kalbasi, Z., & ahmadnejad, A. (2019). Critical Overview of Narratives in the Order of the Descent of Quran (Case Study of the Three Surahs of Monafeqhoon Noor and Ahzab). *Ketab-E-Qayyem*, 9(20), 125-148. [In Persian]
 25. kalbasi, Z., & AhmadNezhad, A. (2022). Review of The Role of Muqātil Ibn Sulaymān in Forming Exceptional

- Verses. *Quranic Sciences and Tradition*, 54(2), 465-447. doi: 10.22059/jqst.2022.328812.669795 [In Persian]
26. Kulinī, Muḥammad ibn Ya‘qūb (1407 AH) *al-Usūl min al-Kāfi*, edited by ‘Alī Akbar Ghafārī and Muḥammad Ākhundī, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
 27. Ma‘rifat, Muḥammad Hādī (1385 SH), *Tafsīr va mufasssiran*, Qom: Mū’assasat at-Tamhīd. [In Persian]
 28. Ma‘rifat, Muḥammad Hādī, (1388 SH) *at-Tamhīd fī ‘ulūm al-Qur’ān*, Qom: Mū’assasat at-Tamhīd. [In Arabic]
 29. Muqātil ibn Sulaymān (1423 AH), *Tafsīr Muqātil ibn Sulaymān*, edited by ‘Abdallāh Maḥmūd Shāhātah, Lebanon: Dār ihyā’ at-turāth al- ‘Arabī. [In Arabic]
 30. Nizāl, ‘Umrān Samīḥ (1427 AH), *al-Waḥdah at-tārīkhīyah li-s-sūr al-Qur’ānīyah*, Dār al-Qirā’ / Dār Qatībah, Damascus / Amman. [In Arabic]
 31. Nekūnām, Ja‘far (1373 SH), *Barrasī tartīb e- nuzūl Qur’ān dar ravāyāt*, PhD dissertation, supervisor: Dr. Sayed Muḥammad Bāqir Ḥojjatī, Tarbiat Modarres University, Tehran. [In Persian]
 32. Nekūnām, Ja‘far (1380 SH), *Darāmādī bar tārīkh-guzārī-ye Qur’ān*, Tehran: Nashr-e hastī-namā. [In Persian]
 33. Ya‘qūbī, Aḥmad ibn Abī Ya‘qūb (1384 AH), introduced and edited by Muḥammad Ṣādiq Baḥr al-‘Ulūm, Najaf: Manšūrāt al-maktabah al-Ḥaidariyyah wa-maṭba‘atuhā fī al-Najaf. [In Arabic]
 34. Ya‘qūbī, Aḥmad ibn Abī Ya‘qūb (n.d.) *Tārīkh al-Ya‘qūbī*, Beirut: Dār Ṣādir. [In Arabic]
 35. Ya‘qūbī, Aḥmad ibn Abī Ya‘qūb (1371 SH), *Tārīkh al-Ya‘qūbī*, translated by Muḥammad Ibrāhīm Āytī, Tehran: Entishārāt-e ‘ilmī va farhangī, 6th edition.

The Manuscripts

36. al-Mabanī li-niẓm al-ma‘ānī, a unique manuscript on microfilm in Berlin.
37. Zayn al-fattā fī sharḥ sūrat Hal āta, image of the first manuscript, the oldest extant copy (copied in 1114 AH).
38. Zayn al-fattā fī sharḥ sūrat Hal āta, image of the second manuscript, referenced by Muḥammad Bāqir Maḥmūdī for his book "al-‘Asal al-muṣaffā...".

39. Andrābī, Aḥmad ibn Abī ‘Umar, al-Īdāḥ fī al-qirā’āt al- ‘ashar, a unique manuscript on microfilm in Istanbul.
40. Shahrastānī, Muḥammad ibn ‘Abd al-Karīm (1368 SH), *Mafātīḥ al-asrār wa maṣābīḥ al-abrār*, a photographic reproduction of a unique Iranian manuscript, introduced by ‘Abd al-Ḥusayn Ḥā’irī, Tehran: Manuscript Publishing Center - in cooperation with the Library of the Islamic Consultative Assembly (Majles-e Shūrā-ye Islāmī).
41. Nöldeke, Theodor (2013), *The History of The Qur’ān*, Adited and Translated by: Wolfgang H.Behn, Boston, Leiden,. [In English]

